

## زائر عتبات عالیات-سالک هفت شهر عشق

نادر حسن زاده

### My travelogue from the holy shrines of Iraq

این سفرنامه در انتشار اول در دو بخش تهیه شده بود. بخش اول قبل از عزیمت به عتبات عالیات و بخش دوم در حین زیارت و یادداشت برداریهای روزانه. اما از آنجائیکه بخش مهمی از این مطالب مربوط به جستجوی من در اینترنت پس از مراجعت به ایران بوده است! از این نسخه به بعد بر آن شدم بخش سوم را هم به آن اضافه کنم که مربوط به مطالب جدید و استنباطات جدید است.

و چون حین سفر از خیلی ادراکات بدلیل عدم آشنائی با مقدسات این سرزمین محروم بودم تصمیم گرفتم این سفرنامه را با تمام جزئیات ارائه کنم تا مطالب آن برای زیارت اولی ها مفید باشد. ادامه بخش سوم انشاءالله تا آخر عمر من خواهد بود. ضمناً این مقاله در تکمله مقاله محرم پایان حج نیمه تمام کاروان امام حسین(ع) در همین سایت و کارگاهی برای نظریات ارائه شده در آن است. در واقع این دو متن، دو روی یک سکه هستند. با این تفاوت که مکانها بازدید شده اند و دریافت ها بعضاً مستقیم است.

اما انگیزه من برای رفتن به این سفر خاطرات دانشجوی محترم من خانم آسیه موسوی از حرم امام حسین(ع) است. او می گفت آبانماه ۱۳۹۵ تا وارد حرم امام حسین(ع) شدم اولین نفری را که در دعای خود جلوی چشمان خود دیدم شما بودید. این گذشت تا اینکه روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۷ همراه با خانم فائزه نیازی دیگر دانشجوی محترم من نزد من آمدند. خانم موسوی باز گفت امسال (۱۳۹۷) در ایام اربعین حسینی در سفر کربلا بودم. در داخل حرم امام حسین(ع)، حین دعا شما را باز جلوی چشمان خود آشکارا دیدم. به ایشان گفتم اعتقاد قلبی من پیروی از سنت امام حسین(ع) است: اول مکه و مدینه بعد کربلا.

بعد از ظهر که به خانه برگشتم به بتول گفتم خانم موضوع جدی است. امام حسین(ع) جداً مرا طلبیده است. همین انگیزه موجب شد ۱۷ بهمن ۱۳۹۷ برای عتبات عالیات ثبت نام بکنم و ۱۳۹۸/۱/۹ به زیارت هفت شهر عشق، هفت حرم عشق و هفت نفس عشق نائل بشوم.

امسال (۱۳۹۸) او باز در مراسم اربعین شرکت کرد. این بار من پیش دستی کردم و پرسیدم از خاطرات سفر اخیر چه خبر؟ گفت هیچ تصور و تصویری از هیچکس نداشتم.

مطمئن شدم قسمت من بود بزرگ. حق معنوی استاد بر دانشجوی و دانشجو بر استاد بود نخست.

تاریخ نشر ۱۳۹۸/۱/۲۶. تاریخ بازبینی دوازدهم ۱۴۰۱/۸/۲۴

## زائر عتبات عالیات - سالک هفت شهر عشق

(۹ فروردین لغایت ۱۶ فروردین سال ۱۳۹۸)

پهلوانان پهلوانی می کنند

حق شناسان حق شناسی می کنند

رهسپاران رقص پائی می کنند

ره نیابند دست و پائی می کنند

امسال بدلیل همین سفر فرصت نیافتیم به عید مبعث حضرت رسول (ص) این شجره طیبه عالم و به مناسبت های دیگر چون تولد چهار نور همیشه منور ماه شعبان بپردازم. پس از مراجعت هم سخت مشغول تهیه این سفرنامه بودم. لذا به همین دویستی زیر که در [سایت بینابوز زیر عنوان تقویم و اعمال ماه رجب](#) انتشار داده بودم اکتفا می کنم (فایل ۴ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۰)

رنگ خوش بوده و بودند که به دشت سر زده اند

سر خوش دیده و دیدند که به ما سر زده اند

کاروان خوش نرود گر نرویم خوشتر از این

باد از این باده نیبند که به ما سر زده اند

### تشکر و قدردانی:

-خدا را شاکرم که به من فرصت داد در حیات خود در حالیکه هنوز از پا نیافتاده ام خانه خدا و مسجد نبی و قبر منور حضرت رسول (ص) و ابواب آن بویژه باب جبرئیل و دو قبرستان نام آشنای بقیع و ابوطالب را زیارت کنم. با ۴ امام و یک ام البنین خفته در بهشت بقیع و یک خدیجه کبری در آرامستان ابوطالب.

-خدا را شاکرم که سال جدید را با زیارت ۱۱ امام شهید و محل غیبت امام غایب شروع کردم. و امروز مفتخرم بگویم که من همه بزرگان دین خود را در اماکن مطمئن خود دیدم و ملاقات کردم.

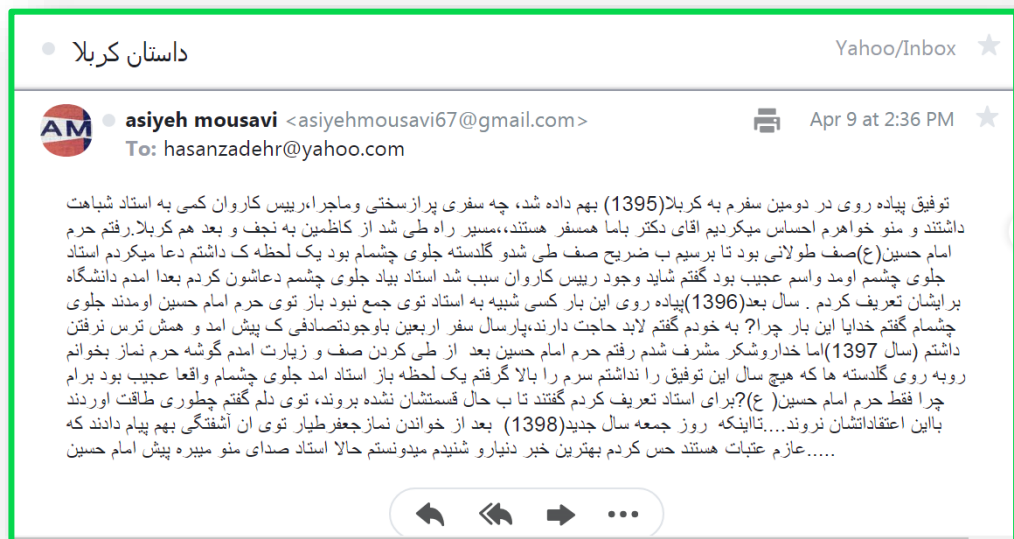
-و باز خدا را شاکرم که در عمرم مرا دوبار در دو سرای مطمئن آرامش کامل بخشیده است: [امکان مقدسه مکه و مدینه](#) در حج تمتع ۱۳۹۳ و [امکان مقدسه نجف و کربلا و سامرا و کاظمین](#) در عراق. قربان آقا امام رضا (ع) که حقیقتاً غریب امامان است اما قریب ایرانیان است. این بارگاه ها انسان را نوریاران، ایمان باران،

احسان باران و انسان باران می کنند. یک اختلاف کوچک هم در بین زوار نیست. زیرا ذرات جذب نورند.

جذب نور عمود بر میدان مغناطیسی انبیا و اولیا هستند. و تا آنجا هستند خوب اند. بیرون بیایند....

از سرکار خانم **آسیه موسوی** دانشجوی محترم خود ممنونم که سبب ساز این مسافرت شد. قبل از سوار شدن به هواپیما به او پیامک فرستادم و خداحافظی کردم. و بعد از مراجعت خواهش کردم عین خاطرات خود را به من ایمیل بکند تا من در این سفرنامه خود به آن افتخار کنم:

**انگیزه تهیه این سفرنامه:**



خوشبختانه پرسش های من پس از مراجعت از عراق چند برابر شد (انشاءالله مسئولیت من هم چنین باشد). مطمئنا اگر اطلاعات من در ایام زیارت کافی بود بهتر می توانستم زیارت معنوی و کنکاش عرفانی بکنم. لذا این مجموعه را تهیه کردم تا شاید راهنمای سفر زائرین محترم به آستان های مقدسه باشد.

**بخش اول:**

**سلام بر شما**

**ثبت نام:**

مثل هر مورد دیگر همه کارها در ایران به سهولت انجام نمی گیرد. من که منتظر فرصتی بودم که ثبت نام بکنم. امداد از غیب رسید و سیمای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد سازمان حج و اوقاف برای نوروز شروع به پیش ثبت نام زائرین عتبات عالیات می کند (۱۳۹۷/۱۱/۷). بلافاصله وارد سایت (<http://atabat.haj.ir>) شدم و به صورت اینترنتی ثبت نام کردم (برای اواخر اسفند تا آخر تعطیلات عید نوروزی). طبق اطلاعیه سازمان، ثبت نام از ساعت ۹ صبح روز شنبه ۱۳۹۷/۱۱/۶ لغایت ساعت ۱۶ روز جمعه ۱۳۹۷/۱۱/۱۲ ادامه داشت تا اینکه این تاریخ تا ۲۲ بهمن تمدید شد.

چاپ فرم پیش ثبت نام عنایات عالیات

تاریخ : 7 بهمن 1397

لطفا کد رهگیری خود را با دقت نمود و از آن مراقبت نمایید.

کد رهگیری : **170974828**

مشخصات سرگروه:

1- کد ملی :	1378832175
2- نام :	نادر
3- نام خانوادگی :	حسین زاده راستگاری
4- نام پدر :	حسین
5- شماره شناسنامه :	992
6- تاریخ تولد :	7 مهر 1334
7- استان محل سکونت :	تهران
8- شهر محل سکونت :	تهران
9- نحوه سفر :	مسافرت هوایی

مثل ایام حج (۱۳۹۳) شوق و ذوقی در دلم جوانه زده بود که مگو و مپرس. حال من در نیمه شب روز سه

شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۹ چنین بود:

گفتم سرای عشقی

گفتا سلام عشقم

گفتم حسین عاشق

گفتا حسین ام عاشق

گفتم بلا کجا نیست

گفتم بالای عاشق

گفتم کمند ندارم

گفتا کلام عاشق

هر رهگذر نداند

دنیا برای عاشق

از من کتاب عشق است

از تو نگاه عشق است

یک فصل من تو دانی

صد فصل من چه دانی

نسبت بدان تو عاشق

نسبت نخوان تو عاشق

اینجا مدار عشق است

اینجا مجال عشق است

شش گوشه زمین است  
یک گوش تو ضمیر است  
پیدا نکن تو عاشق  
پیدا ببین تو عاشق  
در کربلا دو حال است  
حالی که خون نیام است  
حالی که خون پیام است  
پروده اند به دنیا  
دنیائی که خاک و پاک است  
حافظ تو را خدا هست  
حافظ تو را پیام است  
بر وارثان حسین است  
بی وارثان حسین است

نتایج قرعه کشی قرار بود متعاقبا روی سایت پیش ثبت نام (<http://atabat.haj.ir>) اعلام بشود.  
تا اینکه روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ از سازمان حج و زیارت پیامک آمد جهت اطلاع از اولویت تشریف  
خود به سایت <http://atabatresult.haj.ir> مراجعه نمایید.



وارد سایت شدم. مشخصات را وارد کردم. دیدم جزو الویت ۹ هستم.

**پیش ثبت نام انتخابات مالیات**

**مشاهده نتیجه پیش ثبت نام عتبات عالیات**

اطلاعات فرم پیش ثبت نام شما به شرح زیر می باشد. در صورتیکه جزء پذیرفته شدگان یا افراد ذخیره می باشید طبق اطلاعیه سازمان حج و زیارت ، گزینه "قطعی نمودن ثبت نام" در روزهایی مشخص شده برای شما فعال گردیده و می توانید جهت قطعی نمودن ثبت نام خود از همین طریق اقدام نمایید.

**گروه شما با مشخصات زیر در فرقه کشی عتبات پذیرفته شده است.**  
**لطفاً با توجه به الویت خود و اطلاعیه سازمان حج و زیارت ، جهت قطعی نمودن ثبت نام اقدام نمایید.**

**الویت ثبت نام : 9**

جهت دریافت اطلاعات بیشتر به اطلاعیه سازمان حج و زیارت توجه فرمایید.

شماره رهگیری : 170974828  
 مشخصات سرگروه:  
 کد ملی: 1378832175  
 نام: نادر  
 نام خانوادگی: حسین رانده راستکاری  
 مشخصات سایر افراد گروه : کد ملی نام خانوادگی  
 نحوه سفر: مسافرت هوایی

**برگشت**

در همین بخش آمده بود آغاز ثبت نام در کاروانها برای اولویت ۹ از ساعت ۱۵ بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ خواهد بود.

**مشاهده نتایج قرعه کشی پیش ثبت نام عتبات عالیات**

در صورتیکه قبلاً از طریق این سیستم اقدام به ثبت نام نموده اید می توانید برای مشاهده نتیجه قرعه کشی و قطعی نمودن ثبت نام ، اطلاعات زیر را بصورت صحیح وارد نموده و سپس دکمه "مشاهده نتیجه" را کلیک نمایید.

**اطلاعیه سازمان حج و زیارت در خصوص ثبت نام اینترنتی عتبات عالیات**

(کاروانهای ایرانی از تاریخ 97/11/24 لغایت 98/02/08)

مقامات محترم که در پیش ثبت نام عتبات عالیات شرکت نموده اند می توانند روز شنبه 97/11/27 به همین سایت پیش ثبت نام مراجعه و یا وارد نمودن کد رهگیری و کد ملی خود از نتایج قرعه کشی مطلع گردند.

بازگشته شدگان در فرقه کشی بر اساس جدول ذیل جهت قطعی نمودن ثبت نام و تعیین تاریخ اعزام کاروان خود اقدام خواهند نمود. توضیح اینکه ثبت نام در کاروانها از ساعت 9 صبح روز سه شنبه 97/11/20 آغاز و پذیرفته شدگان بر اساس اولویتهای خود می توانند به بخش ثبت نام سایت (لینک قطعی کردن ثبت نام) مراجعه و یا با حضور در دفتر حج زیارتی تحت پوشش سازمان حج و زیارت، کاروان و تاریخ اعزام خود را تعیین نمایند.

ضمماً قرعه کشی بصورت گروهی انجام شده و برای هر گروه یک اولویت تعیین شده است.

اولویت (1) از ساعت 9 صبح روز سه شنبه هجری 97/11/20  
 اولویت (2 و 3) از ساعت 10 صبح روز سه شنبه هجری 97/11/20  
 اولویت (4 و 5) از ساعت 11 صبح روز سه شنبه هجری 97/11/20  
 اولویت (6 و 7) از ساعت 13 بعدازظهر روز سه شنبه هجری 97/11/20  
 اولویت (8) از ساعت 14 بعدازظهر روز سه شنبه هجری 97/11/20  
 اولویت (9) از ساعت 15 بعدازظهر روز سه شنبه هجری 97/11/20  
 اولویت (10) از ساعت 16 بعدازظهر روز سه شنبه هجری 97/11/20

اطلاعیه سازمان حج و زیارت

کد ملی: 038-372320-5  
 شماره شناسنامه: 137 083217 5  
 با معرفیال سمت جب: 992  
 تاریخ تولد: 1334 7  
 کد رهگیری: 170974828

**مشاهده نتیجه**

**مشکلات بعد ثبت نام:**

روز بعد نوشتند ثبت نام قطعی به روز چهارشنبه ساعت ۶ بعد از ظهر موکول شد.

ساعت ۶ نوشتند به ساعت ۷ بعد از ظهر موکول شد!

در همه موارد هم تاکید داشتند پذیرفته شدگان بر اساس اولویتهای خود می توانند به بخش ثبت نام سایت (لینک قطعی کردن ثبت نام) مراجعه و یا با حضور در دفاتر مجاز زیارتی تحت پوشش سازمان حج و زیارت، کاروان و تاریخ اعزام خود را تعیین کنند. من که لینک قطعی کردن ثبت نام را هیچوقت به جز وقتی به سازمان حج و اوقاف مراجعه کردم (۱۳۹۷/۱۲/۴) روی سایت ندیدم.

- تماس با شرکت های هواپیمائی مورد تائید سازمان اوقاف در منطقه سعادت آباد:

بخاطر اطمینان از برنامه ها، ساعت ۳ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱ به دو شرکت هواپیمائی مورد تائید سازمان اوقاف در حوالی سعادت آباد زنگ زدم (آدرس ها را از اینترنت گرفتم). گوشی برداشتند. نومیدانه بار دیگر در اینترنت اسامی کاروانها را جستجو کردم. به درنا گشت دریا زنگ زدم. خوشبختانه گوشی را برداشتند و گفتند امروز ساعت ۶ سایت باز می شود و خودشان نام کاروانها و شرکت های هواپیمائی را اعلام می کنند. تشکر کردم بالاخره یکجا به من خبر صحیح داد!

- تماس با شرکت مرکزی کارگزاران امور زیارتی استان تهران:

پس از چندین بار جستجو به نام شرکت مرکزی کارگزاران امور زیارتی استان تهران برخورد کردم. در سایت شرکت مرکزی کارگزاران امور زیارتی استان تهران پیام زیر را گذاشتم:

"با سلام من اولویت نهم سفر به عتبات عالیات برای ایام عید ۱۳۹۸ هستم. نوشتند ساعت ۱۸ روز چهارشنبه یا از طریق گزینه لینک ثبت نام قطعی اقدام کنید یا مراجعه مستقیم به کاروانها. اما نه لینکی در سایت است و نه نام کاروانی. ممکنست راهنمائی بفرمائید". طبق انتظار خبری نشد! زیرا ایمیل که آدم نیست! خود آدم هم که آدم نیست. یک پولی دادند یک سایتی راه انداختند. مثل هر سیستم دیگر، نه ربات است و نه انسان! یک وجود نیم وجود است.

- جستجوی سایت های مختلف:

ساعت ۶ بعد از ظهر روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱ به سایت پایگاه اطلاعاتی سازمان حج و زیارت مراجعه کردم دیدم یک روز اخبارش با تاخیر است! امروز چهارشنبه ۱ اسفند است سایت اخبار مربوط به ۳۰ بهمن را گذاشته است. چند سایت دیگر را هم جستجو کردم. خبر جدیدی نبود.

سایت ساعت ۱۹ برای ثبت نام قطعی باز نشد (الان که ساعت ۷/۵ بعد از ظهر است. فردا هم که چک کردم همان برنامه دیروزی بود). لذا زودتر از ۷ از طریق سایت سازمان و زیارت تماس گرفتم.

- تماس با خود سایت پایگاه اطلاعاتی سازمان حج و زیارت:

به منظور راهنمایی و حداقل دادن اسم کاروانها. تنها چیزی که دریافت شد کد رهگیری سایت به شماره ۱۷۶۵۱ بود.

مجددا ساعت ۹ شب روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱ شروع کردم به جستجوی سایت ها. دیدم در سیستم جامع ثبت نام عتبات عالیات برای ورود در سایت کلمه عبور می خواهد. بعنوان کاربر جدید وارد شدم. رمز خواست. nader1 دادم. کد فعال سازی را به موبایل من پیامک فرستادند (کلمه عبور ۳۸۶۴۷۶۲). وارد شدم. جدول زمانی برنامه کاروانها آمد. گزینه هوائی را زدم. زیر جدول این جمله درج بود: ظرفیت مورد درخواست در گروه های محدوده زمانی انتخاب شده وجود ندارد.

این بار گزینه زمینی را زدم باز پاسخ مشابه بود: ظرفیت مورد درخواست در گروه های محدوده زمانی انتخاب شده وجود ندارد.

- از اینترنت نومید شدم. صبح روز پنجشنبه (۱۳۹۷/۱۲/۲) با بتول به سه آژانس نزدیک خانه خود مراجعه کردیم. دو تا گفتند ما آژانس زیارتی نیستیم (لابد شیشه ائی هستند)، یکی هم گفت ما زمینی ثبت نام می کنیم. شماره تلفن کارگزاران را دادند (۸-۶۶۵۹۱۹۰۳). گفتند به ما هم پاسخ به سختی می دهند. تماس گرفتم. گفتند روز شنبه مراجعه شود به ساختمان حج و اوقاف و یا با معاونت عتبات به شماره ۶۴۵۱۱ تماس گرفته شود. برای اولین بار به خود گفتم نادر سخت نگیر. اگر امام حسین (ع) طلبیده حتما راهگشا خواهد بود.

- رفع همه مشکلات با یک مراجعه ساده به ساختمان حج و اوقاف:

شنبه صبح (۱۳۹۷/۱۲/۴) با بتول به ساختمان حج و اوقاف معاونت عتبات عالیات مراجعه کردم. صفحه ثبت نام ها را آورد. دیدم گزینه ثبت نام قطعی فعال شده است! همانجا برای ۱۳۹۸/۱/۹ ثبت نام کردم. البته برای روز ۴ و ۷ فروردین هم ظرفیت بود. نشان می داد اطلاعات موجود در اینترنت صحیح نیست. به آژانس جوان سیر ایثار نزدیک ساختمان وزارت کار در خیابان آزادی (بعد از پمپ بنزین) مراجعه کردم و مبلغ ۳۸،۵۷۲،۳۰۶ ریال واریز کردم. مثل مورد سفر مکه (۱۳۹۳)، ثبت نام این سفر هم در آژانس های واقع در



خیابان آزادی رقم خورد. از مبلغ فوق ۴۰ دلار (حدود ۴۰۰ هزار تومان) هزینه اخذ ویزا بود. یک هفته مانده به آغاز سفر (۹ فروردین) اعلام شد از اوایل ماه آپریل (۱۲ فروردین ۱۳۹۸) صدور ویزای عراق برای اتباع ایرانی رایگان خواهد بود.

رسید ثبت نام:					
آخرین فرصت ارائه مدارک: 1397/12/05			شهر: تهران		
نوع اعزام: هوایی		تاریخ تشریف: 1398/01/09			
نام دفتر: جوان سپر		تلفن: 66574650			
آدرس دفتر: حیابان آزادی، حد فاصل حیابان شهید فاضلی و وزارت کار، پلاک 243					
<p><b>تذکر مهم:</b> در فرصت تعیین شده جهت ارائه مدارک ذیل به دفتر کارگزار مربوطه مراجعه فرمائید در غیر این صورت ثبت نام شما باطل و از اولویت تشریف حذف خواهید شد.</p> <p><b>مدارک مورد نیاز جهت ثبت نام:</b></p> <p>1- اصل گذرنامه بین المللی معتبر که از تاریخ تشریف حداقل شش ماه اعتبار داشته باشد.</p> <p>2- اصل و تصویر صفحات شناسنامه و کارت ملی</p> <p>3- سه قطعه عکس 2x3</p> <p><b>نحوه پرداخت هزینه سفر:</b></p> <p>- مراجعه به کارگزار و دریافت فیش</p> <p>- پرداخت اینترنتی توسط ملی کارت</p>					
سنیاسه رانر	کد ملی	نام	نام خانوادگی	تاریخ تولد	هزینه سفر
14788178	1378832175	بازر	احسن زاده راستگاری	1334/07/07	38572306
<b>وضعیت پرداخت اینترنتی</b>					
تاریخ	شماره سفارش	مبلغ	وضعیت پرداخت		
09:12 1397/12/04 ف.ظ	863672	38572306	پرداخت تأیید شده		

موقع برگشتن بغضم گرفته بود. سرم را در پیاده رو پائین انداخته اشک می ریختم. آخر این سفر شهادت است. رویت شاه شهیدان است. سید الشهداء است. دیدن مقام عباس علمدار است. بوسیدن ضریح شهیدان دردانه تاریخ بعد از صدر اسلام است. با خود این بیت حافظ را زمزمه می کردم:

گر به شوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور

درحالیکه در سفر مکه این بیت به ذهنم خطور نکرده بود (مراجعه شود به فایل [سفر روحانی من - قسمت اول](#) در همین سایت). خانه که برگشتم سایت سازمان حج را باز کردم. دیدم در کامپیوتر من هم گزینه مذکور فعال شده است:

### پیش ثبت نام محتبانه مالیات

**مشاهده نتیجه پیش ثبت نام عنایت عالیات**

اطلاعات فرم پیش ثبت نام شما به شرح زیر می باشد. در صورتیکه حوزة پذیرفته شدگان با افراد دخیله می باشد طبق اطلاعیه سازمان حج و زیارت ، گزینه "قطعی نمودن ثبت نام" در روزهای مشخصی شده برای شما فعال گردیده و می توانید جهت قطعی نمودن ثبت نام خود از همین طریق اقدام نمایید.

گروه شما با مشخصات زیر در فرقه کنسلی عنایت پذیرفته شده است.

لطفاً با توجه به الوبت خود و اطلاعیه سازمان حج و زیارت ، جهت قطعی نمودن ثبت نام اقدام نمایید.

**الوبت ثبت نام : 9** >>> [قطعی نمودن ثبت نام عنایت](#)

جهت دریافت اطلاعات بیشتر به اطلاعیه سازمان حج و زیارت توجه فرمائید.

شماره رهگیری :	170974828
مشخصات سرگروه:	1378832175
کد ملی:	نام:
نام خانوادگی :	احسن زاده راستگاری
مشخصات سایر افراد گروه :	کد ملی
نحوه سفر :	مسافرت هوایی

بازگشت

همان شبه ۱۳۹۷/۱۲/۴ پاسپورت جدید من هم رسید و روز بعد با مدارک دیگر تحویل آژانس دادم. قرار شد به من در مورد کاروان و ...اطلاع رسانی کنند. گفتند خروجی و تهیه ارز با خود زائر است.

### زائر عزیز

(۱۳۹۷/۱۲/۶)

گلش رازم کجاست

صبح ولایت کجاست

سوی شهادت کجاست

ای تو عزیز ولی

راه نداری بیا

جاه نداری بیا

چاره نداری بیا

بیش نداری بیا

فیش نداری بیا

ریش نداری بیا

تا تو نوازد بمان

تا تو تراود بمان

چون عرفه چون منا

بین حرم تا حرم

تا تو بخواند بمان

ذبح ندارد ذبیح

زنده خود را بدان

مژده خود را بخوان

راه ندیدم کجاست

راحله دیدم کجاست

قافله دیدم کجاست

یک سر آن کوفه است

یک سر آن دجله است

روز عزا کربلاست

هرکه رسید ناله کرد

هرکه رسید خانه کرد

دور زمین را شکافت

روح ضمیر را شکافت

تا که ببیند کجاست

شاه شهیدان کجاست

مرد علمدار کجاست

زینب کبری کجاست

اصغر و اکبر کجاست

یار امامان کجاست

ناله اصغر کجاست

هر چمنی گلشنی است

## ترانه من نام یک شب بود

(۱۳۹۷/۱۲/۶)

مراسم شب بود

منازل شب بود

در این مراسم شب

یکی هم عروس شب بود

شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ بعد از نماز صبح یاد حریمان کربلا، کریمان نجف و شریفان سامرا افتادم. **سفر نزدیک است و آمادگی کمتر.** امان از دست روزمرگی ها، خودکشی وقت ها، خودزنی روزها. باید ابتدا به درگاه خدا استغاثه می کردم که ای خدا:

دست ما را بگیر غصه ما را نه. روز ما را بگیر روزه ما را نه. ارجمند توئی: اجر ما را بگیر ارج ما را نه. بنده نواز توئی: بند ما را بگیر بنده ما را نه. روزها شب اند: شب را از ما بگیر شبگیر را نه. روده دراز است: روده را از ما بگیر رود را نه. ناسزاگویان زیادند: جزای ایشان را بگیر سزا را نه. نائمی نار است: نای از ما بگیر ناله را نه. دشمنان زیادند: دشمنان را بگیر دوستان را نه. کشته از ما زیاد است: کشته را بگیر پشته را نه. عرض حال زیاد: عرض ما را بگیر عرضه ما را نه. نردبان زیاد: نرد را بگیر نرده را نه. ترس از ما زیاد: ترسه را بگیر پرسه را نه. دودمان زیاد: دوده ها را بگیر توده ها را نه. سال به سال زوال: زوال ما را بگیر ثبات ما را نه. فرض محال محال: محال را بگیر مجال را نه. نبش قبر غمبار: غم قبر را بگیر نقش قبر را نه. اعتبار کجاست؟ آنجاست که نام نیک است. اعتبار را اعتقاد را از ما بگیر. اشتباهات زیاد: اشتباه را از ما بگیر اشتهار را نه. عمر نوح، نوح است: نوح را از ما بگیر نور را نه. عیب هاست عیدها: عیب ما را بگیر عید ما را نه. قهرمان تنهاست: قهر ما را بگیر مان ما را نه. آشیان زیاد: آش ما را بگیر آن ما را نه.

ای تو نظر ای تو بصر ای تو اثر

عصر ما بر باد: باد ما را بگیر بار ما را نه. کارت ما را بگیر کار ما را نه. مردم ورشکسته اند: ور را بگیر شکسته را نه. شکل ها داغون اند: داغ را با باغ بگیر. قرص ماه است: قرص از ما بگیر قرص بنی هاشم را نه. قرص علی اکبر- علی اصغر- علی اوسط را نه. عازم شرف ام. نجفم. کربلایم. سامرا. کاظمین. آه را بگیر آه من را نه. قهر را بگیر قلب من را نه. ته نامم راستی است: نامم را بگیر راستم را نه. فریاد بلند: بلندی را بگیر بلندگو را نه. تا زنده ام علم و قلم از من بگیر. زینب از دور پیدا است: پیدا و پنهان را از ما بگیر. شاهزادگان را بگیر خاکزادگان را نه. یاد زینب زینب است: یادگار زینب از مادر بگیر. شرح حال عاشقان پیدا و پنهان است به من. شرح سربازی دهم

سرباز من از من مگیر. یک وطن ایران ماست. یک وطن اوتاد ماست. اوصیا در بال هم. این باد من از من مگیر. این راه من از من مگیر. زینب است هشدار من. از دوش من هشدار مگیر. شاعران سرخنده اند. اشعار خود را می خرنند. عشق ما سر زندگی است با وزن و بی وزنم مگیر. بهترین بی وزنی است. وزن تو ورزیده است سعی تو چرخیده است. سهرودی زنده است. سهراب من هم زنده است. وزن خود دارند زمین. وزن خود را وارهان در وزن خود بازی بکن، شادی بکن، شاهی بکن. هست ما افسانه است هستانه ها مرجانه است. فعل بودن بهتر است. شکل ماندن بهتر است. شکل هم بودن بد است. عرض ما انوار ماست، انصار ماست، اعوان ماست، اعیان ماست، الوان ماست، اعصاب ماست، اذکار ماست. ماهان شب شب های ماست. سر زنم بر کربلا در کربلا افراد ماست. انبان ماست. افکار ماست. قله های کوه ماست. روز و شب خوبیهای ماست. ارتباط روح ماست. التفات سوی ماست.

### کربلا ای نام تو سخت آشناست

تربتت بر ما رواست. صحبت مولای ماست. صبحدم با او دعاست. در زیر خاک محمل به ماست. اصناف زرد در ذات ماست. با هر خلف صد ناخلاف. با هر نیاز صد بی نیاز. کربلا نورت زیاد، زورت زیاد، کویت زیاد، بویت زیاد، طورت زیاد، صورت زیاد، دولت زیاد، صفوت زیاد. بر تو باران می زند باران خود بر ما بده. خاک تو محنت زیاد بر خاک ما محنت بده. اکبرین است اصغرین. اوسط به ما بیشتر بده. زینب است عمار تو عمران ما زینب بده. عرض ما بیشتر زیاد. بیشتر از این بیشتر از آن. زحمتی دادم مده از ظرف خود بیشتر بده. شام تو در شامگاه. کار تو در کارگاه. از کار خود بیشتر بده. از نام خود بیشتر بده. خون تو ثار خداست. از خون خود بیشتر بده. مرد و مردان اند سوار. بر مردمان مردم بده. بر مرد ما مردی بده. تخت ما آبی بده. زهد ما ساری بده. سیلان بده سیلاب بده (جالب است امروز که این متن را که قبل از سفر تایپ کرده بودم برای بار آخر ویراستاری می کنم می بینم ناخواسته طلب سیلاب کرده ام! از کجا بدانم برای سیل و سیلاب ظرفیت نداریم!). یا علی گفتم علی. مرد میدان است علی. اصحاب بدر است یا علی. اصحاب صف است با علی. فاطمه دور است به ما. با مادران مادر بده. ام ما ام نبی. ام نبی ام البنی. سامرا هم ثار ماست. از ثار ماست فریاد ما. ظلم ها در ظلم ها. این ظلم کجا آن ظلم کجا. با تو باشم می کشند بی تو کم می کشند. قوم ماجوج اند بلی از لیج مسلمان می کشند.

روز یکشنبه زنگ زدند برای شرکت در یک جلسه توجیهی. راس ساعت ۱۰ صبح روز جمعه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۴. محل آژانس جوان سیر ایثار- خیابان آزادی. بعد از پمپ بنزین.

مدیر کاروان آقا شکیب مهر بودند و روحانی کاروان حاج آقا رضائی روشن. کاروان ۳۴ نفره بود. سفر هم یک هفته ائی از جمعه ۱۳۹۸/۱/۹ لغایت جمعه ۱۳۹۸/۱/۱۶.

آب و خون

(سروده شد همزمان و بعد از نماز صبح)

(۱۳۹۷/۱۲/۲۵)

کلی آب است

کلی خاک است

کلی صحبت با خداست

با حسین کربلاست

زینب هم در خیمه هاست

یک علمدار خداست

اکبر و اصغر بنام

چشم ما در انتظار

چشم یعقوب هم به راه

دسته ها عادت کنند

مشک ها مشرب کنند

صحنه ها گویند حسین

تشنه ها جویند حسین

لاله ها رویند حسین

باله ها سوزند حسین

کربلا تنها حسین

تا حسین در خاک و خون

آسمان دریای خون

مشتی مشتاق خون

منتظر محتاج خون

مجتهد برهان خون

مبتدی باران خون

هرچه خون در خاک خون

آب و خون در کار خون

## کربلای آسمان

(سروده شد همزمان و بعد از نماز صبح)

(۱۳۹۷/۱۲/۲۶)

امتداد زندگی است

یک خط عطا دارد به ما

یک خط خطا دارد به ما

افتخار زندگی است

از ما عطا دارد به ما

آل احمد آل رحمت

آسمان دارد به ما

کربلا از آسمان دارد به ما

امهات دارد حسین

عمری وفا دارد حسین

عمری ثنا دارد حسین

نازعات دارد حسین (نازعات: قد علم کردن در مقابل چیز دیگر و از جا بر کندن/جدا کردن/ و یا کشیدن آن)

ناشطات دارد حسین (ناشطات: جذب و گره‌گشایی)

دست من نیست این قلم

التفات دارد حسین

ارتفاع دارد حسین

در جمع صاحبقران

اجتهاد دارد حسین

ام ها:

امی ابی

ام البنین

رومیا:

روم قدیم روم جدید

شامی ها:

شام یزید شام مزید

اوصیا:

یابن حسین فضل الحسین

### خط سیر کربلا

(سروده شد همزمان و بعد از نماز صبح)

(۱۳۹۷/۱۲/۲۶)

خط سیر کربلا

بر ما پیام دارد حسین

آسمان هفتم است

هم کنیزک با وفاست

هم جناحین با وفا

هم روز خدا دارد حسین

آدم افتاده نیست

هر یک پیام دارند به ما

هر یک سؤال دارند ز ما

خاک پاک زینبیم

### رسیدن روزی قبل از آمدن روز:

این سفر برخلاف سفر حج تمتع سال ۱۳۹۳، بار مالی زیادی نداشت. اما چون سفر حج در این سفر نیز دریافتی من از دانشگاه زیاد بود. الحمدلله. در ایام سفر حج، در فیش حقوق مردادماه من حدود دو میلیون و سیصد هزار تومان پول بیشتر واریز شده بود. این سفر بیش از دو برابر. به بتول می گویم این بار هم روزی خدا زودتر از روز خدا و زیارت آستان های قدس بدست من رسید.

### تهیه ارز:

روز سه شنبه ۱۳۹۸/۱/۶ با بتول به خیابان استانبول رفتیم. ترافیک خیابان جمهوری از روزهای معمولی هم سنگین تر بود. جایی برای پارک ماشین نبود. ناچار شدیم وارد پارکینگ مرکز خرید چهارسو بشویم. زیر باران شدید در حالیکه چترها در ماشین جا مانده بود و همه جای ایران سیل آمده بود و می گفتند شب هم تهران سیل می آید به صرافیهای واقع در چهار راه استانبول سر زدیم. هیچکس دینار عراق نداشت. بیشتر صرافیها بسته بودند. همه آدرس مرکز تجارت جهانی فردوسی نرسیده به میدان فردوسی را می دادند. تا آنجا هم رفتیم نبود. در برگشت به صرافی اسکندر رضانی و شرکا برخورد کردیم. پرسیدم دینار عراق دارند. گفتند داریم. فروش ۱۲ تومان. ۱۵۰ هزار دینار (در واقع ۱۵۰ دینار. اعتبار سه صفر آخر اسکناس های عراقی بمانند سه صفر آخر اسکناس های هزار تومانی ایرانی است) به ارزش ۱،۸۰۰،۰۰۰ تومان خریداری شد.

### حرکت به سمت هفت شهر/هفت حرم عشق:

چهارشنبه ۱۳۹۸/۱/۷ مدیر کاروان در تلگرام گروه کربلا ۹۸ اعلام کرد که ساعت حرکت ۲ بعد از ظهر روز جمعه از فرودگاه امام خمینی خواهد بود. بعد از ظهر هم خانه آنا (مادر) رفتیم. با فامیل خداحافظی کردیم. ناهید خواهر عزیزم دو کاغذ کوچک نوشت و داد دست من که یکی را بیاندازم داخل ضریح امام حسین (ع) و دومی را در ضریح حضرت ابوالفضل!

پرواز با یک نقص فنی جزئی. هواپیما با یک تاخیر ۱۵ دقیقه پرواز کرد.

### بخش دوم:

### سلام بر شما علیک از شما

### مقصد نجف:

در سفر حج (۱۹۹۳) دوست داشتم جزو کاروانیان مدینه اول باشم. زیرا اعتقاد داشتم ابتدا مسجد نبی و زیارت رسول الله اعظم در مدینه منوره و پس از کسب آمادگی های لازم، حضور در خانه خدا برای دیدار خدا.



این سفر اما اشتیاق من دیدار علی بن ابیطالب (ع) در ابتدا بود. زیرا او بعد از نبی اکرم، مومن ترین و متقی ترین و امیرالمومنین ترین خلق خداست. چنین هم شد. لذا مقصد اول نجف شد.

ساعت حرکت ۲ بعد از ظهر روز جمعه ۱۳۹۸/۱/۹ از طریق شرکت هواپیمائی قشم ایر بود. متنها در همان ابتدای هواپیما خلبان و سر میهماندار اعلام کردند هواپیما دارای یک نقص فنی جزئی است که پس از رفع آن پرواز انجام خواهد گرفت. تقریبا یک ربع طول کشید. رفع نقص شد و پرواز به خوبی و خوشی انجام گرفت. مسیر پرواز ۱/۵ ساعته بود. بعدها فهمیدم که یکی از زائرین داخل هواپیما خودش مهندس پرواز است. وقتی از او علت نقص را پرسیدم گفتند بعضا ممکنست یک فیوز عمل نکند و یا فیلتر تمیز نباشد و ... که غالبا با یک restart این نقیصه مرتفع می شود.

سر میهماندار وقتی به زبان فارسی اعلام پرواز می کرد از "نجف شریف" اسم می برد. اما آن را به انگلیسی "نجف" می گفت.

**نجف بدون علی همان شهر منجوب است که به مکان مستطیل شکل مرتفع اطلاق می شود که آب در اطراف آن جمع می شود. اما با علی نجف یعنی: عجب (مولود کعبه)، رجب (سال تولد)، وجب (ترازو)، احقاق حق، عدل، ادب، اثر، نظر، عرفان، اسلام، احسان، ایثار، اکرام و....**

هوای نجف خوب بود. سرد تا بارانی. طول روز خنک. کل شهرهای زیارتی شرایط مشابهی داشتند. بخاطر سیل های بی سابقه ایران، هر دو کشور از این آب و هوای ویژه سال تحویل ۱۳۹۸ متاثر بودند. در بازار تره بار سنتی کربلا هم می دیدم هر دو کشور میوه و سبزیجات مشابهی دارند. مذهب اکثر مردم این دو کشور هم شیعه است. باید دشمن خیلی هوشیار بوده باشد که دو کشور هم دین و هم کیش و هم تاریخ و هم فرهنگ و همسایه را درگیر ۸ سال جنگ ویرانگر بکند!

شب روز ورود (۱۳۹۸/۱/۹) به حرم حضرت علی (ع) مشرف شدیم. این حرم یک وقار دیگری داشت. در واقع یک ابهت کامل بود. از اینکه آرزوی دیدار علی را در خانه خود داشتم خجل بودم!! این آرزوی قلبی خود را که من در مقاله "[علی و سمبل های نمادین حکومت او](#)" در همین سایت انتشار دادم (۱۳۹۶/۳/۲۸) اینگونه بیان کرده بودم:

در این فکر بودم که اگر علی (ع) با آن هیبت و ابهت صدراسلامی خود وارد کلبه کوچک من بشود من چه حالی پیدا می کنم! با خود گفتم علی نیست نهج البلاغه که هست، کار مانده علی که هست، دختر یهودی و مسلمان که هست، بازی با القابی چون ابوالحسن در دادگاه ها و ادارات که هست، میهمانی رفتن های حنیف استاندار بصره و جای دیگر که هست. او به حنیف نوشت "[اگر خواستمی دانستمی چگونه غسل](#)

پالود و مغز گندم و بافته ابریشم را به گلو برم، لیکن هرگز هوای من بر من چیره نخواهد گردید و حرص مرا به گزیدن خوراک ها نخواهد کشید چه بود که در حجاز یا یمامه (ناحیه باستانی در عربستان) کسی حسرت گرده نانی برد، یا هرگز شکمی سیر نخورد و من سیر بخوابم و پیرامونم شکمهایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته و جگرهایی سوخته".

اما در نجف فهمیدم چه اشتباه بزرگی کرده ام. من باید به حرم آقای آقایان مولی الموحدین مشرف می شدم و افتخار پابوسی را داشتم و نه از علی مرتضی انتظار بی جایی داشتم. چه بکنم که خطاهای من اینگونه است. راستش فشار بر من بابت عدم تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی کم نبوده و نیست. به من بود از ایران بعد از انقلاب بهشت خاورمیانه می ساختم. اما نه دشمن می گذارد و نه دوست دشمن.

این شهر علی است

علی علی علی است

نام ما علی است

کار او علی است

در سه روزی که در نجف بودیم مرتب ساکن حرم او بودیم. در دیوار ایوان طلا یک زیارتنامه ائنی نصب بود که ابتدا فکر کردم برای پیامبر (ص) است! اول صبح بود. هنوز هم تاریک بود. دوباره متن را خواندم. همان برداشت اول را داشتم. بعدها از زبان روحانی کاروان شنیدم که برداشت من درست بوده است. در واقع زیارت نامه به اسم نبی و بخاطر علی است. آخر، زیارت حضرت علی (ع) ثواب زیارت رسول الله (ص) را دارد.

در صدر اسلام هیچ فردی نزدیکتر از علی به پیامبر نبود و در هیچ سرزمین اسلامی، هیچ حریمی و حریمی با وفاتر از حرم علی (ع) نیست. یک علی است و ۱۱ امام. دستمان به پیامبر نرسد علی هست.

نبی (ص) در مدینه ناظر و شاهد حرم داماد، اولاد و ابناء خود در کربلا و سامرا و کاظمین و مشهد است و علی (ع) به نیابت از رسول الله و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ناظر و شاهد اولاد و ابناء خود در شهرهای مذکور است.

ممنونم آقا یاد من بودی

کار من بودی

آه من بودی

جان من بودی

خوب، نجف بزرگیهای خود را دارد. علمای اعلام خود را دارد. حوزه علمیه نجف پایگاه اول مذهب تشیع است. در جوار حرم علی (ع) انتظاری جز اینست. او خود می گفت **سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقَدُونِي - از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید.** علمای شیعه او را در نجف یافتند و تا روز قیامت از او و از فیض او دست بر نمی دارند. اینست این مرکز همچنان می درخشد. بزرگانی در این سرزمین خفته یا زنده اند که هر کدام برای خود وزنه ائی بوده و هستند. اینقدر که در نجف طلبه بود در جای دیگر نبود.

اتفاقاً یک سید روحانی عرب زبان بعد از نماز ظهر روی منبر مسجد الخضره در حالیکه کتاب **آیت الله العظمی آقای سیستانی** را در دست داشت احکام وقف را تشریح می کرد. لحن و صوت ایشان شبیه به **آیت الله سبحانی** بود. خیلی علاقمند بودم اسم او را بدانم. از یک طلبه ایرانی که در گوشه ائی از حیاط مسجد ایستاده بود پرسیدم نام ایشان چیست؟ گفت نمی دانم! گفتم چقدر لحن صدایش شبیه به آقای سبحانی است. تبسمی کرد و شاید هم تشکری بابت این تذکر و توجه من.

از خوش اقبالی من یک اطاق تکی به من افتاده بود. **زیرا در کاروان زائران، من تنها زائر بدون همراه بودم.** کاروان ۳۴ نفره بود+ مدیر و روحانی کاروان. من در سفر مکه و مدینه هم زائر تنها بودم.

زیرا اعتقاد دارم برای سفر زیارتی اگر قصد، خودسازی است نیاز است (۱) بقول **دکتر شریعتی چون کرگدن تنها سفر کن، و (۲) غریب در بین مردم مومن باشی.** و **گره سفرهای زیارتی دانشگاه ها کم نیستند.**

می دیدم بیشتر زائرین یا گم شده داشتند (کفش و فرزند) و یا سالمند داشتند (یک نفر با عصا و یک نفر با ولیچر). یک زوج جوان دلداه هم بودند. به اعتقاد من این زائرین ثواب کامل را می برند اما چون دنیا را با خود حمل می کنند از حظ های معنوی کم بهره می برند. اما همه این اقشار نور چشمان مولای خود هستند. حضور تک تک ایشان در این حرم ها موجب فرهمندی و بالندگی است. ایشان یاران همیشه جاویدان اهل بیت هستند.

در حرم

افراد پاک شاهی کنند

افراد خاک

راهی کنند

نقشه/ماکت حرم حضرت علی (ع):

حتما یک زائر باید از نقشه/ماکت حرم با خیر باشد. از وجود خفتگان بیرون و درون حرم مطلع باشد تا انعکاس نورها را با مبدا نورها با تمام وجود حس بکند. این حرم ها یک زیارتگاه محض نیستند. یک دانشگاه کامل از تاریخ و جغرافیا هستند. یک دائره المعارف زنده هستند. یک نقشه راه برای امت هستند. یک محیی هستند.

حتما برای ساخت و ساز آن ها و بازسازیهای پی در پی آن ها زحماتی زیادی کشیده شده است. بیشتر هم شاهان به آن مبادرت کرده اند. تا اثری از ایشان در این آستان ها باقی بماند! غافل از اینکه هر کسی آمد آثار جرم قبلی را پاک کرد. لذا در حرم ها و حریم ها هیچ اثری از آثار تاریخی نیست (خوشبختانه حرم امام رضا در مشهد موزه خود را دارد. اما موزه عتبات باید غنی تر از این باشد. کل در و پنجره ها و دیگر لوازم اگر حفظ می شد امروز یک موزه جواهر نشان بود).

**همه چیز طلا! گنبد طلا- ایوان طلا!** اما یک کتیبه یا در چوبی بی طلا هرگز و یا بسیار نایاب! همه جا طلا خوب نیست. آجر خوش رنگ و خوش نقش کمتر از طلا نیست. این اماکن به اندازه کافی نور دارند. نور و آئینه و لوستر مظهر ارادت ماست. تنها سرمایه گرانبهای ماست. اما هنر ما حفظ همه آثار از جمله آثار قدیم و جدید است. این بزرگترین ایراد مردم مسلمان در جهان اسلام است که بازسازی ها را با تخریب ابنیه های قدیم یکی گرفته اند. در خانه خدا هم شرایط مشابه و بلکه بدتر بود. اینقدر دور کعبه برج ساخته اند که خانه خدا را تبدیل به کلبه کوچک کرده اند. چند طبقه بودن مسجدالحرام هم جرم دیگری است (**مراجعه شود به سفر روحانی من** [به حج تمتع ۱۳۹۳- قسمت اول ۱۳۹۳ در همین سایت](#)).

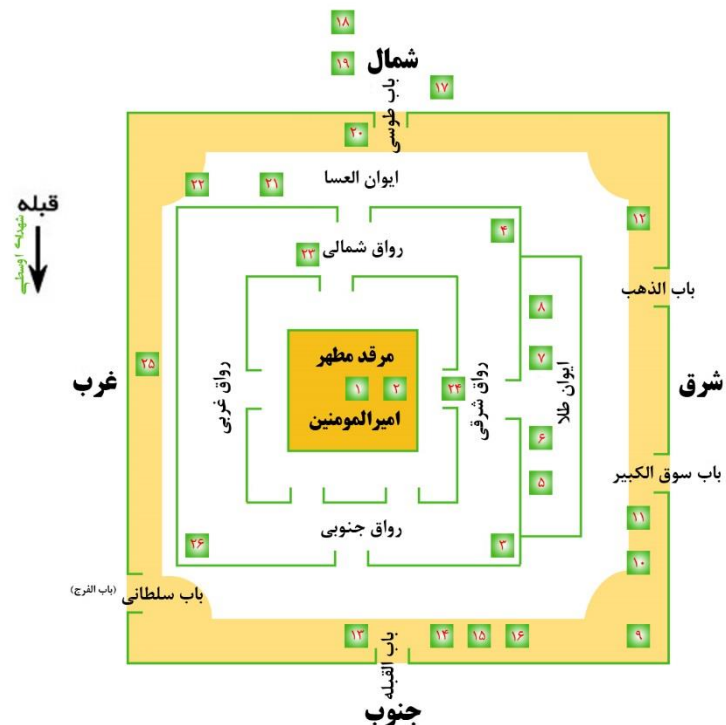
ای که آمد به چشم من

خواب نبود به چشم من

نور خواستم

حور آمد به چشم من

## راهنما و نقشه حرم مطهر امیرالمومنین حضرت علی (علیه السلام)



- |                                 |  |
|---------------------------------|--|
| ۱- مدفن حضرت آدم (ع)            | ۱۴- قبر سیداسدالله شفتی اصفهانی  |
| ۲- مدفن حضرت نوح (ع)            | ۱۵- قبر میرزا حسین نوری  |
| ۳- مناره جنوبی مرقد مطهر        | ۱۶- قبر شیخ عباس قمی   |
| ۴- مناره شمالی مرقد مطهر        | ۱۷- مدرسه و قبر میرزای شیرازی  |
| ۵- قبر آیت الله سیدمصطفی خمینی  | ۱۸- قبر و مسجد شیخ طوسی و آرامگاه خاندان سید مهدی بحر العلوم               |
| ۶- قبر مقدس اردبیلی             | ۱۹- محل دفن تیمور لنگ  |
| ۷- قبر علامه حلی                | ۲۰- قبر سید محمد کاظم یزدی   |
| ۸- قبر شیخ محمد حسین کمپانی     | ۲۱- قبور ملامهدی و احمد نراقی  |
| ۹- قبر علامه نائینی             | ۲۲- مکان قبلی تکیه بکتاشیه   |
| ۱۰- قبر آخوند خراسانی           | ۲۳- محل دفن آقا محمدخان قاجار، ملک آراه، محمدحسن خان قاجار و حسینعلی میرزا |
| ۱۱- قبر سید ابوالحسن اصفهانی    | ۲۴- محل دفن عضدالدوله، اشرفالدوله و بهاءالدوله از سلاطین آل بویه           |
| ۱۲- قبر آیت الله ابوالقاسم خویی | ۲۵- قبر آیت الله حکیم  |
| ۱۳- قبر شیخ مرتضی انصاری        | ۲۶- قبر شیخ جعفر شوشتری  |

شهر ما شهر علی است

شرح ما شرح علی است

سالهاست سال علی است

قال ما قال علی است

قبرستان دارالسلام:

با پای پیاده یک روز بعد از ظهر به قبرستان دارالسلام رفتیم که می گفتند بزرگترین گورستان دنیاست. وسعت آن از داخل هواپیما هم شگفت آور بود. حدود ۲۰ کیلومترمربع. می گفتند مساحت آن ۱۳۸۶ هکتار است (تقریباً ۳ برابر بهشت زهراى تهران). در واقع گورستان شهر نجف نبود. گورستان عرب و عجم عالم اسلام بود. ظاهراً با ۲۰ میلیون نفس زکیه و غیر زکیه خفته در آن یکی از میراث های فرهنگی یونسکو است.



أَكْبَرُ مَقْبَرَةٍ فِي الْعَالَمِ هِيَ  
مَقْبَرَةُ وَاوِي السَّلَامِ فِي النَّجْفِ  
فِي الْعِرَاقِ وَيُقَدَّرُ عَدَدُ الْقُبُورِ  
فِيهَا بِسِتَّةِ مَلَائِينَ قَبْرِ.

موضوع مهم در عراق همزیستی مرگ و زندگی با هم است. می دیدم در تمام حرم ها، تابوت ها بر دوش اولاد، اقوام و آشنایان (بدون حضور خانم ها) به ترتیب وارد حرم می شدند. بدون گریه و شیون. یک روحانی کنار تابوت می نشست. دعای میت می خواند. مزد روحانی قبلاً پرداخت می شد. طواف میت که تمام شد همه ایشان با ذکر لا اله الا الله-محمد رسول الله از صحنه خارج می شدند.

بنظر من این مردم خیلی اسلامی تر از ما حیات و ممات دارند. خدا کند دعوی ارث نداشته باشند! زیرا وقتی مسلمانی رنگ باخت. وصیت نامه ها لاجرم غیر اسلامی می شوند. لذا یک نفر می میرد و ده نفر به جان هم می افتند. درعمل چند نسل با هم می میرند! این هنر مسلمانی ماست که از نوشتن دو خط وصیتنامه اسلامی عاجزیم. در این معرکه بغض آلود هر کس که زورش بیشتر سهم او از غارت بیشتر و البته و صدالبته سهم او از جهنم دست ساز خود و میت بیشتر.

عزیمت به شهر کوفه (یکشنبه ۱۳۹۸/۱/۱۱):

بعد از ظهر روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۱/۱۱ کاروان ها عازم کوفه شدند. نام کوفه که می آید آدم را بلافاصله به یاد حکومت علی در کوفه، ضربت خوردن علی در مسجد کوفه، بدعهدهای اهل کوفه به امام حسین (ع)، آوردن اسرا به مسجد کوفه و ... می اندازد. اما کوفه امروز شهریت خوب و زندگی خوب دارد.

فاصله نجف به کوفه حدود ۱۰ کیلومتر و یا کمتر است. فاصله این دو شهر اینقدر به هم نزدیک است که روحانی محترم کاروان می گفت فاصله بین تهران و شاه عبدالعظیم است.

در مسیر نجف به کوفه از چند زیارتگاه و مسجد هم بازدید بعمل آمد:

#### مسجد سهله:

یکی از مسجدهای مهم و با فضیلت کوفه، **مسجد سهله یا سهیل** است. این مسجد منزلگاه و عبادتگاه بسیاری از پیامبران از جمله حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت ادريس عليه السلام، حضرت خضر عليه السلام و جایگاه برخی از امامان شیعه از جمله مقام امام صادق علیه السلام و امام سجاد علیه السلام بوده است. مسجد سهله در ده کیلومتری شرق مرقد مطهر امام علی علیه السلام واقع شده و فاصله آن تا مسجد کوفه حدود دو کیلومتر است. در کنار این مسجد خانه های اعیان نشین کم نبودند. این مسجد هم مثل هر ابنای مذهبی دیگر در حال بازسازی بود. مسئولیت بازسازی این اماکن مقدسه اکثراً با ایران بود. اینقدر باران در اینجا شدید بود که انتظار می رفت اینجا هم مثل ایران سیل بیاید. گنجایش فضاهای سرپوشیده مسجد برای کاروانهای پناه برده از باران و سرمای شدید اینقدر کم بود که همه کاروانها نزدیک به هم زیارت نامه می خواندند.

#### مسجد حنانه:

این مسجد در بین راه نجف و کوفه، سمت شمال آن واقع است. به هنگام حمل سرهای مبارک شهیدان کربلا به کوفه، سر مقدس ابا عبدالله را بر زمین این مسجد گذاشتند.

دو جایگاه مطهر دیگر که باید در مسیر کربلا بازدید بعمل می آمد مزار **کمیل بن زیاد** و مقبره میثم تمار بود.

#### مزار کمیل بن زیاد:

کُمیل بن زیاد نَخَعی یمانی از بزرگان تابعین و از یاران شجاع و با وفای حضرت علی (ع) بودند. وی یکی از هشت عابد و زاهد معروف کوفه در زمان خود بود. **دعای کمیل، یادگار امام علی (ع) به کمیل و از دعاهاى معروف و مشهور است.** پس از شهادت امام علی (ع)، کمیل در زمره یاران امام حسن مجتبی (ع) محسوب می شد و همچنان در کنار آن حضرت بود و در واقعه صلح امام حسن (ع)، کاملاً مطیع امام حسن مجتبی (ع) بودند. جناب ایشان در زمان شهادت امام حسن (ع)، در مدینه نبودند. اما در زمان امام حسین (ع) او را دستگیر و تا بعد از واقعه عاشورا در زندان عبیدالله بن زیاد در حبس بودند. وی پس از آزادی در قیام های کوفه به افشاگری پرداخت، و به خونخواهی امام حسین (ع) در کنار **مختار ابن ثقفی** با قاتلین ایشان به نبرد پرداخت.

هنگامی که حجاج بن یوسف والی عراق شد (برای ایجاد خفقان و ساکت کردن اعتراضات مردمی)، یاران و اصحاب امام علی (ع) را تحت تعقیب قرار داد. روزی حجاج از "هیثم اسود" سراغ کمیل را گرفت تا او را به قتل برساند. اسود جواب داد: او پیرمرد سالخورده است. حجاج گفت: شنیده ام که بین جمعیت ها تفرقه می اندازد. سپس دستور داد که کمیل را دستگیر کنند.

هنگامی که کمیل از قصد حجاج آگاه شد، از کوفه خارج شد. چون حجاج به او دست نیافت، برای اینکه وی را تحت فشار قرار داده و وادار به تسلیم نماید، حقوق قبیله ایشان را که از بیت المال تأمین می شد، قطع کرد (رسم نامردی انسان از روز ازل تا ابد). هنگامی که کمیل بن زیاد از این جریان آگاه شد، عرض نمود که از عمرم چند سالی باقی نمانده، چرا باعث قطع روزی جماعت بی گناه بشوم.

لذا وارد کوفه شد (انسان کامل) و به دارالاماره رفت (مراجعه شود به مقاله [در شهادت و خلافت علی علیه السلام](#)، در همین سایت ۱۳۹۹) و خود را تسلیم کرد، حجاج به او گفت: ای کمیل خیلی دنبالت گشتم تا تو را کیفر دهم.

کمیل پاسخ داد که هر چه خواهی بکن که از عمر من جز اندکی باقی نمانده و عنقریب بازگشت من و تو به سوی خداست. مولایم به من خبر داده که قاتل من، تو خواهی بود.

پس از گفت و گوئی تند بین این دو، حجاج دستور قتل او را صادر کرد. در ۸۲ ه.ق و در سن ۹۰ سالگی. خود لثیمش هم از دل درد شدید مرد. حجاج را امویان در "واسط" میان راه بصره و کوفه دفن کردند و بر قبرش آب بستند و آن را از چشم دشمنانش مخفی کردند. آخر و عاقبت همه پست فطرتان آدم کش و نسل کش.

در بیرون از صحن حرم جناب کمیل به مدیر کاروان حج خود برخورد کردم (آقای محسن جوشقانی) و از تجدید دیدار هم خوشحال شدیم. پیش خود گفتم چقدر دنیا کوچک است.

### آرامگاه صحابی شهید میثم تمار:

تنها زیارتگاهی بود که دارای پارکینگ اختصاصی بزرگ بود. وی صحابی پیامبر (ص) و از یاران با وفای امام علی (ع)، امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین (ع) بود که پیش از واقعه کربلا در کوفه به شهادت رسید. به گفته ام سلمه، همسر پیامبر، پیامبر بارها از میثم به نیکی یاد کرده و درباره وی به امام علی (ع) سفارش کرده بود. او در کوفه خرما فروشی می کرد. کرامات و پیش گوئی هایی به او نسبت داده اند که ذیلا به چند مورد اشاره می شود.

میثم تمار فرزند یحیی و اهل سرزمین نهروان منطقه ای میان عراق و ایران بود. بعضی او را ایرانی و از مردمان فارس دانسته اند. میثم، شخصی حاضر جواب بود. هنگامی که به نمایندگی معترضان بازار کوفه، در دربار عبیدالله بن زیاد سخن گفت، ابن زیاد از منطق، سخنوری، فصاحت و بلاغت او در شگفت ماند.



میثم، مرگ معاویه را پیشگویی کرد و خبر شهادت امام حسین (ع) را برای زنی مکی به نام جیله، گفت. او همچنین از پیش از دستگیری خود توسط سرکرده طایفه خود و شهادتش به دستور ابن زیاد، آزادی مختار از زندان خبر داد.

میثم طبق پیش بینی امام علی (ع) به شهادت رسید. به دستور ابن زیاد اول زبان میثم را از دهانش بیرون کشیدند و با دشنه اش بریدند. مرتب به جسم نزار او تازیانه زدند. سه روز بعد بدلیل حق گوئی به دار آویختند. مرقد میثم تمار، در نزدیکی مسجد کوفه قرار دارد.

وجود این ویژگی‌ها در میثم تمار سبب شده است تا او را در شمار اصحاب، حواریون و یاران برگزیده امام علی (ع) به شمار آورند. میثم تمار اهل تحقیق و تألیف بود. یکی از تالیفات آن بزرگوار وارسته تفسیر قرآن است که از علی (ع) آموخته بود. یک کتاب حدیث هم از او باقی مانده بود که فرزندانش روایت کرده‌اند ([ویکی فقه- دانشنامه حوزوی](#)).

از ویژگیهای زیارت آن شاهد و مشهود برای من واقعه عجیب و باور ناکردنی زیر بود:

اینجا هم چون دیگر زیارتگاه‌ها بردن دوربین ممنوع بود. زائرین کاروان‌ها ابتدا وضو می گرفتند. سپس وارد حرم می شدند. مزار ایشان را زیارت می کردند. بعد هم به نماز می ایستادند. من هم مثل بقیه افراد ابتدا به زیارت قبر مطهر ایشان شتافتم. بعد به نماز ایستادم و مجدداً به دلیل زیر به زیارت مرقد مطهر پرداختم. در واقع این زیارت متفاوت از بقیه زیارتها بود!

به محض ورود تا خواستم میله‌های ضریح مزار او را ببوسم دیدم به چندین برابر بزرگ و بزرگتر و به من نزدیکتر شدند. انگار اینها میله‌های ضریح نیستند میله‌های داربست هستند که در ساختمانها و برای تعمیر بناها بکار می روند. به حالت متحرک اما با آهنگ آرام. کل ضریح پیش روی من عقب جلو- بالا و پائین می شد. از آن عجیب تر، کف مرقد تا چند متر پائین تر از صندوق قبر برای من قابل رویت بود! زیر زمین تاریک اما با اشیای زیرخاکی غیر قابل تشخیص در کف آن (در محرم سال ۱۴۰۰ در گروه مجازی تضارب آراء، ۱۴۰۰، ویدئوی کوتاه مزار و رواق حضرت ابوالفضل العباس را دیدم که خیلی از بعد رنگ و روی خاک شبیه به مزار تمار بود. مراجعه شود به [مقاله محرم پایان حج نیمه تمام کاروان امام حسین\(ع\)](#)).

حقیقتش اندکی شک کردم. گفتم شاید علت آن قطره آب وضوئی است که در داخل چشمانم باقی است. رفتم نماز را خواندم. مجدداً سراغ ضریح آمدم. به تویی میله‌ها نگاه کردم دوباره همان صحنه تکرار شد. همسفر عزیزم آقای مهندس غلامرضا سیاح زاده را دیدم از من می خواست مثل همیشه از هم عکس بگیریم. گفتم چطور به شما اجازه دادند دوربین وارد حرم بکنی؟ گفت کسی مانع نشد! به او گفتم به این تویی‌ها نگاه کن من چنین صحنه‌ائی را می بینم. نگاه کرد گفت من چیزی غیر عادی نمی بینم. گفتم پس از هم عکس بگیریم که این عکس برای من بسیار مهم است.

شب به هتل نجف بازگشتیم. من عکس‌های مربوط به او را فرستادم اما از عکس من خبری نشد. صبح در لابی هتل نجف که آماده عزیمت به کربلا معلی بودیم از او خواستم عکس مرا به من بفرستد. لابی هتل اینترنت نداشت. با هم طبقه اول هتل رفتیم که اطاق

سابق من بود. همانجا عکس را به واتساپ من ارسال کرد. کلی خوشحال شدم که این عکس یادگاری از این سفر روحانی را با خود تا آخر عمر به همراه دارم.

همان شب این خاطره عزیز و به یادماندنی را به دو دختر عزیزم آمینا و آیتا ارسال کردم. اما غافل از اینکه من مزار کمیل را با مزار میثم اشتباه گرفته ام. کی متوجه اشتباه خود شدم؟ وقتی که به کربلا رسیدم. مشغول نماز جماعت ظهر صحن حضرت الوافضل العباس بودم! عصر همان روز عکس را به مدیر کاروان نشان دادم. نشناخت. با خود آقای سیاح زاده در میان گذاشتم. گفت این یا آن باید بوده باشد! گفتم این یا، یای معمولی نیست. حکایت من است. ترتیب عکس ها را در موبایل چک کردم. **مطمئن شدم معجزه، معجزه میثم تمار است!** بعدها فکر کردم و به خود جرات دادم که بگویم شاید ارجاع من به میثم تمار به توصیه حضرت علی (ع) بوده است. بخاطر شغل کشاورزی من.



میثم تمار تمامت مراسم

خوشه تمار طراوت مراست

معجز این شهر بغایت مراست

شاخه توحید دلالت مراست

یکماه پس از مراجعت من از این سفر روحانی دریافتم که کار من با میثم تمام نشده است.

به خانمم می گویم فکر می کنی یکبار دیگر این سفر نصیب من بشود باز صحنه فوق تکرار می شود؟ جالب است حساسیت من به این صحابی بزرگوار نبی و علی بیش از پیش شده است. به اسم ایشان بیشتر حساس شده ام. می خواندم که میثم در جائی فرموده است:

شبی از شبها مولای من امیرالمؤمنین علی (ع) با من به بیرون از کوفه آمد و در مسجدی که آن جا بود چهار رکعت نماز گزارد، بعد از سلام نماز و گفتن تسبیح عرضه داشت: خدایا! چگونه تو را بخوانم با آن که نافرمانی تو را کرده‌ام، و چگونه تو را نخوانم بعد از آن که تو را شناخته و محبت تو در دلم جای گرفته است. دستی را به طرف تو دراز کردم که از گناه پر است و چشمی که امیدوار (به بخشش و کرم) تو است... (دعایی طولانی کرد) سپس صدا را آهسته نمود و سر بر خاک نهاده سجده کرد و یک صد مرتبه گفت: العفو، العفو، آن گاه برخاست و بیرون رفت.

من به دنبال حضرت به صحرا رفتم، حضرت خطی برایم کشید و فرمود: مبدا از این خط بگذری! آن گاه خودش تنها رفت، شب تاریکی بود با خودم گفتم: تو مولای خود را رها کردی با آن که او دشمنان بسیار دارد، در پیشگاه الهی و نزد پیامبر او چه عذری خواهی داشت، به خدا که دنبالش خواهم رفت و مراقب او خواهم بود، گرچه از فرمان او سرپیچی کنم. به همین جهت، دنبال حضرت حرکت کردم،

مقداری که آمدم دیدم حضرت سر را تا نصف بدن درون چاهی فرو برده و با چاه سخن می گوید و چاه نیز با حضرت سخن می گوید، که ناگاه حضرت متوجه من شده فرمود: کیستی؟ گفتم: میثم. فرمود: آیا نگفتم از آن خط عبور نکنی؟ عرض کردم: ای مولای من! از دشمنان بر شما ترسیدم دلم آرام نگرفت فرمود: آیا از حرفهای من چیزی شنیدی؟ عرض کردم: نه، فرمود: ای میثم! در سینه عقده‌هایی است که وقتی سینه‌ام از آن تنگ می شود با دست زمین را گود می کنم و اسرار خود را برای آن بازگو می کنم.

به تو مقدار چه گویم

به تو میثم چه گویم

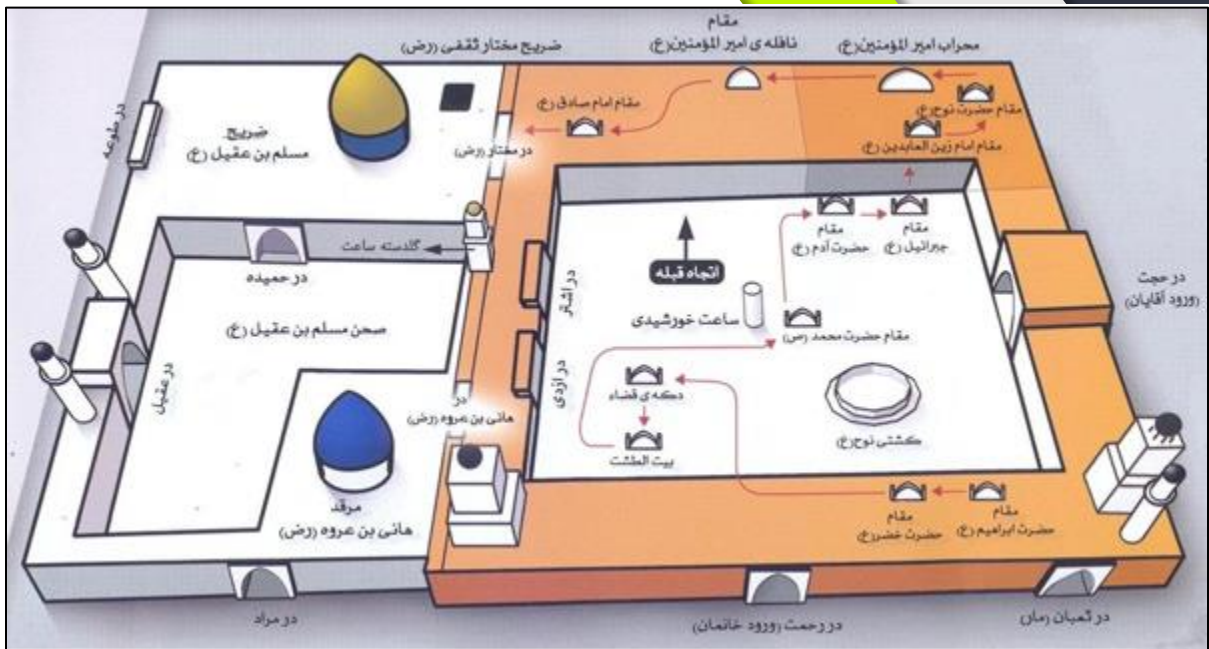
همه اصحاب یمین اند

همه اصحاب یقین اند

سر میدان تو دیدم  
سر میثاق تو دیدم  
سر صحبت تو گشودی  
در دولت تو گشودی  
تو به من راز گشودی  
تو به من طاق گشودی  
توئی از لولو و مرجان  
توئی از خانه مرجان  
به تو دیدم سر لرزان  
به تو بوسم سر مرجان  
دورنما و نقشه مسجد کوفه:







نوشته اند با به حکومت رسیدن حضرت علی (ع)، کوفه پایتخت حکومت اسلامی شد و با این که پس از صلح امام حسن (ع) هرگز پایتخت حکومت دیگری نشد، اما اهمیت خود را حفظ کرد و تا سال‌ها یکی از مراکز مهم علمی و هنری - به ویژه در فقه و ادبیات - باقی ماند. با این حال، با گسترش نجف اشرف و اهمیت یافتن آن، رفته رفته از رونق کوفه کاسته شد. امروزه کوفه شهر کوچکی در نزدیکی نجف است و از آن رونق نخستین خبری در آن نیست (پایگاه اطلاع رسانی ستاد بازسازی نجف اشرف، ۱۳۹۵). در مسجد کوفه مقامات چون مقام نوح، آدم، ابراهیم، جبرئیل، خضر و... بیش از هر جای دیگر بود.

می گفتند برای هر مقام، یک نماز دو رکعتی مستحب است. اما اینقدر این نمازها زیاد و بی وقفه بودند که خودم شخصا شاهد بودم که یکی از خانم‌ها آخر کار ضعف کرد و از حال رفت! من خودم چند نماز آخر را عمدا نخواندم. زیرا اعتقاد دارم **نماز ورد زبان نیست ورد خداست. همچنانکه معنی لفظ قرآن خواندن و معنی خواندن پیاده کردن است.**

لذا در همه حرم‌ها مردم بیشتر ادعیه می خواندند تا قرآن. اما به نظر من خواندن نمازهای طولانی و ثواب دار به مانند خودکاری است که روی کاغذ سفید به صورت خط مستقیم کشیده می شود بدون اینکه اوج و موجی داشته باشد! برعکس دو رکعت نماز با حال، انسان را منقلب القلوب و محول الاحوال می کند.

همه ایراد مسلمانی ما اینست که دو رکعت نماز آگاهانه را نخواندیم. و گرنه نماز شاه کلید خدا در دست ماست. در همین سفر به یک آیه رسیدم که خدا خلاق است (آیه ۸۱ سوره یس). آن هنگام فرصت نیافتم به عمق این خلاقیت بپردازم. اما در این چند روز فرصت بازبینی، مطالعاتی روی این آیه انجام دادم و امروز که ۱۵ شعبان سالروز میلاد امام زمان (عج) است آن را تحریر و در انتهای سفرنامه قرار دادم.

چند روز بعد که برای تهیه این سفرنامه منابع اینترنتی را در ایران جستجو کردم به این پیام برخورد کردم: اعمال مسجد کوفه طولانی می باشد. یک بطری آب معدنی کوچک و کمی آب نبات یا هر ماده مقوی دیگر همراه داشته باشید تا در صورت نیاز استفاده بکنید (پایگاه اطلاع رسانی ستاد بازسازی نجف اشرف، ۱۳۹۵).

خیلی متأسف شدم که این نمازها موجب شد آستان مسجد کوفه و محراب علی (ع) و شهادت آن حضرت در آن صبح خونین آنگونه که موردپسند من بود حس و لمس نکنم.

مگر می شود آدم سجاده نشین نمازهای یومیه خود باشد اما در کنار محراب علی سجاده نشین نباشد. هر چه نور بود باید در کنار محراب علی جذب می شد که برای من یکی میسر نشد. اگر هم شد با عجله شد. یادم نمی رود وقتی نماز جماعت تمام شد به سرعت به زیارت مسلم بن عقبیل و هانی و مختار ثقفی شتافتم. و تا دیدم هنوز فرصتی برای جمع شدن اعضای کاروان است مجدداً به محراب علی بازگشتم. جلوی محراب نشستم و دو رکعت نماز مجدد خواندم و فقط محراب را نظاره کردم و مقداری هم در خلوت خود گریستم. نورانی ترین محل برای جذب نور.



خیلی وقت است من نشستم تا تو را پیدا کنم

آسمان را سیر کنم در فرش تو پیدا کنم

اما برای من دو تا از جایگاه های مهم این مسجد نام آور رُحبه امیرالمؤمنین و دکه القضاء بود.

**رُحبه امیرالمؤمنین:** سکویی است که امام علی (ع) پیش از نماز یا مواقع دیگر، روی آن می نشست و به پرسش های مردم پاسخ می داده است.

**دکه القضاء:** مکانی که امام علی (ع) در آنجا قضاوت می کرد. در آن موضع، ستون کوتاهی وجود داشته که روی آن آیه قرآن را

نوشته بودند: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ..."

یادم نمی رود هنگام زیارت مرقد مختار ثقفی یک گروه جدیدی از زائران در حالیکه با عجله به ضریح مختار نزدیک می شدند یکی از ایشان بلند بلند می گفت **آفرین بر تو مختار**. فهمیدم تاثیر فیلم مختار چقدر تعیین کننده بوده است. قبل از انقلاب مختار کمتر شناخته شده بود. در واقع این تمجیدها، تمجید از انتقام خدا بود که در این مورد بخصوص از آستین مختار بیرون آمده بود.

خانه امیر المومنین (ع) در کوفه در زاویه جنوب غربی مسجد کوفه و پیوسته به ضلع غربی دارالاماره کوفه قرار دارد. می گفتند زیاد به آن اطمینان نیست. اما قبول داشتند بالاخره علی (ع) و اولاد ایشان حدود چهار سال در این ناحیه زندگی می کردند و باید از خود خانه مستقلی داشتند. خانه ائی که چاه حضرت علی، بیت العائله، نماز خانه مصلی النساء، محل غسل و کفن علی بصورت تخیلی و نه صدر صد حقیقی رمز گشائی شده بود.



دارالاماره کوفه در کنار این خانه، حکایت های تلخ و شیرین زیادی را در یاد دارد. بیشتر قاتلین اصحاب امام حسین (ع) را در اینجا دفن کرده اند.

شب هنگام بود. شبیه علف زار بود. بیرون آن چون خرابه شام بود. آدم باور نمی کند از آن قدرت نمائی های عیدالله زیاد در کوفه و از آن قتل های فجیع و نسل کشی های ضد بشری سپاه کفر در کربلا (نینوا) این دارالاماره خرابه شام بماند بدون اینکه از قاتلین اولاد و اصحاب پیامبر اصلی، نسلی، قبری، عاقبتی... باقی مانده باشد! برعکس، هرچه مانائی است خاص اهل بیت است. همه اولاد و ابنای نبی و ولی و دختر نبی چون خورشید در آسمان سرزمین های اسلامی می درخشند. چرا که ریشه آنها در نبوت و شاخه ایشان در امامت است. شیعیان هم الحق سنگ تمام گذاشتند. جان دادند. مال دادند اما امامان خود را تنها نگذاشتند.

از امامان هرچه خواستی حاجت دنیا بگیر

گر نخواستی حاجت بالا بگیر

**علت انتخاب کوفه به جای مدینه بعنوان پایتخت عالم اسلام از خیلی جهات بویژه از این منظر مهم است** که تدبیر خدا بر آن واقع بوده است. زیرا خط رسالت/ولایت باید تا کاظمین، سامرا و تا مشهد ادامه می یافت. این فاصله گذاریها ابتدا با تصمیم خود پیامبر (ص) شروع شد.

آن حضرت مدینه را پایتخت عالم اسلام برگزید. بعد او علی کوفه را برگزید. حسین هم کربلا را (۹۰ کیلومتر دورتر از کوفه). امامان دیگر هم خواسته و ناخواسته شهرهای دیگر را.

در این مورد بخصوص علی (ع) در ماه ذیحجه سال ۳۵ هجری در ۵۸ سالگی به خلافت رسید.

در اولین خطبه‌اش دو روز پس از خلافت در مدینه خواستار برگرداندن اموال به ناحق تصرف شده عثمان شد. و بر تقسیم عادلانه بیت‌المال تأکید کرد. اقدامات دیگر او چون خاموش کردن شمع برای طلحه و زبیر که طالب حکومت بصره و کوفه بودند بسیار تعیین کننده بود. لذا بر آن شدند که یک کاری بکنند هرچند که بنام خدا نباشد. **طلحه و زبیر بیعت خود را با علی (ع) را در مدینه شکستند و در مکه به عایشه که خونخواه عثمان شده بود، پیوستند!** (۳۶ ه.ق). بعد هم با یک لشکری به سوی بصره حرکت کردند.

بدین ترتیب **جنگ جمل**، که نخستین جنگ امام علی و نخستین جنگ داخلی مسلمانان تلقی می‌شود میان علی (ع) و ناکثین (بیعت‌شکنان) در نزدیکی بصره رخ داد. امام (ع) ابتدا به بصره رفت و فرمان عفو عمومی صادر کرد و در رجب سال ۳۶ وارد کوفه شد و آنجا را مقر حکومت خویش قرار داد. سپس دو جنگ تحمیلی دیگر را فرماندهی کرد (**صفین و نهروان**). و بالاخره در سحرگاه ۱۹ رمضان سال ۴۰ ق در مسجد کوفه، در سن ۶۳ سالگی به شهادت رسید و مخفیانه دفن شد.

### عزیمت از نجف اشرف به سوی کربلای معلی (دوشنبه ۱۳۹۸/۱/۱۲):

جائی که بیشترین استغاثه مومنین و درماندگان و محتاجان و امیدواران را شنیدم. بیشتر حرم‌ها دعا و استغاثه بود، این دو حرم و بین الحرمین بیشتر گریه و ناله و تاجر بود. طبیعی هم هست اینجا نینوای قدیم و کربلای جدید است. مشهد عالم اسلام است. زمین موعود یاران با وفای خدا و پیامبر است. جمعی از نمایندگان بنام خدا بر روی زمین حضور دارند. اینجا یادگار کابینه اسلام است. کابین اسلام است. آئین اسلام است. اسلام ناب است. ایثار کامل است. نمایش ایمان است. گذر تاریخ است. از تاریکی به روشنائی است. از ریا به شفافیت است. تزلزل قدرت اموی است که به ناحق بنام اسلام بر قلمرو اسلام حکومت می‌کردند. اینقدر هم شرم و حیا نداشتند که از نوه عزیز پیامبر که وارث به حق پیامبر بود فاصله بگیرند. حداقل **فرمان یا بیعت یا مرگ را صادر نکنند**. متاسفم بر بعضی کانالهای مجازی که به زبان فارسی بر علیه امام حسین (ع) و پیام او تبلیغات ناروا می‌کنند. اینها از یزید هم بدترند. زیرا یزید می‌دانست چه می‌کند اما این حیوانات زبان بسته آشنا به زبان فارسی جیره خوار سفره یزیدند و دانسته و ندانسته می‌دانند چه می‌کنند.

از دوست شنیدم دوستی

از کوست ندیدم دوستی

این فقط امام حسین نبود در برابر ظلم و جور حکومت یزید ایستادگی می‌کرد. دیگران هم اعم از فرزندان خلفای راشدین و صحابی نسل اول و دوم دشمنان سرسخت حکومت باطل یزید بودند. اما هیچکدام حاضر نبودند برای احیای اسلام یک قدمی بردارند. یا در حد چند قطره خون دماغ! از خود اثری بر عالم امکان باقی بگذارند (**به مقاله مردم حضرت زینب زیارت نامه ندارد در همین سایت مراجعه شود**).



در مسیر ۸۰ کیلومتری نجف تا کربلا در سمت راست جاده تا چشم کار می کرد محل استقرار موکب ها برای پذیرایی از زائران حسینی (ع) در اربعین بود. کلی کشتزارهای کنار جاده اختصاص داده شده بود به موکب ها! بیشتر شبیه به تصرف زمین بود. بیقاعده و بی نظم و بی نسق. اما همه این مسیر حکایت از یک نهضت جدید اسلامی می کرد. یک خیزشی در عالم اسلام در حال شکل گرفتن است که دشمنان به آن بیشتر واقف هستند تا دوستان. یک ایران بزرگ در حال قد علم کشیدن است. این را من سر صبحانه به تعدادی از زائران هم گروه و غیر گروه خود گفتم. زائر دوست آشنای من گفت این ایران بزرگ شما چرا از سمت کشورهای آسیای صغیر توسعه نمی یابد؟ گفتم امکان اتصال به بخش خاورمیانه ائی جهان اسلام بدلیل تاریخ، فرهنگ و ایدئولوژی مشترک بیشتر است.

**گل سوز- گیده سوز- منن سورا گوره سوز (می آئید و می روید پس از من می بینید. اجمالا به حرف من می رسید)**

دیدن حرم ها از دور خوش است در این وادی، رنگ ها خوش تر است. پیام ها روشن تر است. اشک ها از خون ها برنده تر است. حریم حرم هاست. حبیب آدمه است.

کربلا شهر آدم تا خاتم است. دشت صحبت است. رنگ نعمت است. نقش ایوان خداست. چند وجهی است. چند ماوایی است. چند نگاری است. چند منزل است. چند گام جلو و چند گام عقب است. میزان عدل است. دماسنج ایمان است. ایمان سنج ایقان است. کربلا هم معرفت است و هم مغفرت. هم اذان است و هم موذن. هم ثار است و هم ثارالله. هم سخت است و هم راحت. هم روشن است و هم گلشن. هم دوست است و هم آشنا. هم اشک است و هم مشک. یک اتصال عالمگیر است. کربلا شهر نوادر است. نادرترین نادرها. قادرترین قادرها. نامی ترین نام ها. ناهیدترین ناهیدها. ابوالفضل عباس علمدار است. حسین تنها فرمانده است. نماز ظهر عاشورا مقرب ترین نمازهاست. موجزترین نیازهاست. پر رمز و رازترین دعاهاست. بالای سر این شهر حرم، حبیبان اند. دوردستان، قریبان اند. صبح خیزترین ایشان زینب کبری و ام البنین است. یک سجاده بزرگ بنام بین الحرمین است. یک ساجد بزرگ چون حسین بن علی است. نقاش خداست. نقش با نفرات خداست. ظهر کربلا- شام مظهر خدا نزدیک ترین وسیله قرب است. این زیبایی ها را زینب دید، اما فرات ندید. آه دید اما آب فرات ندید. شاید هم دید اشک خود را برآب ریخت.

کربلا کلا سه پرده داشت: پرده خون، پرده پیام، و پرده قیام. هر سه پرده، پرده نجات است. دنیا با این سه پرده معنا پیدا می کند. یا باید حسینی بود یا زینبی و یا مختاری. کمترین حر بودن است. بالاترین حبیب مظاهر بودن است.

نخود هر آشی شدن کار یزیدیان است. سکوت بی تقوایی است. فتوا بر خارجی بودن اولاد پیامبر اوج ذلت است. نفاق دشمن بشریت است. منافق دزد برجسته است. ابن زیاد زیادی است. یزید بیشتر از زیادی است. زیاد آل زیاد.

بااین مقدمه وارد حرمین شریفین می شوم.

**حرم حضرت ابوالفضل العباس:**

از باب قبله وارد حرم حضرت ابوالفضل العباس شدیم (سمت راست عکس: محل بازرسی بدنی زوار. وسط: مشک نمادین. پشت تصویر: باب قبله حرم گنبد حرم حضرت ابوالفضل العباس).



زیات نامه تکان دهنده ائی داشت. وقتی که به این فراز حزین می رسیدی: **وَ قَتَلْتُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ بِالْأَيْدِي وَ الْأَلْسُنِ - خدا بکشد امتی را که شما را با دست ها و زبان هایشان کشتند.** تمام وجودت یک لحظه خشک می شد. **خون در خون-** این زخم زبان خونین تر.

در منابع اینترنتی می خواندم بعضی ها به ایشان اسائه ادب می کردند. با زبان تخریب می کردند. با این کار رذالت خود، ضلالت خود و شاید هم جهالت خود را توجیه می کردند. البته پاسخ این نابکاران را حضرت زینب (س) در مسجد کوفه داد و به جای خوشحالی آنها را به گریه واداشت. **قلم وقتی در دست دشمن باشد عزیزترین انسانها هم بی سلاح و بی دفاع می شوند.** خودم در زندگی خود بارها این نوع ظلم ها را از سوی مخالفین و حسودان تجربه کرده ام.



همه روز کار ما رفتن از این باب به ابواب دیگر بود. ماندن در این باب سهل تر بود. نماز جماعت اینجا متفاوت تر بود. یک روز برای اقامه نماز جماعت ظهر دیر رسیدم. نزدیک اذان بود. حرم مملو از جمعیت بود. از جلوی صف سوم به سمت صف های عقب تر در حال حرکت بودم. به یکباره دیدم در صف دوم یک جای نمازگزار خالی و عالی با یک مهر آماده، آماده نشستن است! به اطراف خود نگریستم. دیدم کسی ایستاده نیست. همه نشسته اند. گفتم پس این جای من است.

در حرم حریم دادند به من

جای خود را جای من دادند به من

آنچه می خواستم به من دادند به من

فضای باز بین الحرمین:

من که همه دعاهايم را در دو حرم و بین الحرمین انجام می دادم. بین الحرمین جای فکر کردن بود. جای تصمیم بود. جای مرور تاریخ بود. جای سم اسب های سرداران بزرگ سیدالشهدا بود. بین الحرمین یعنی بین دو حرم و من. بین تکالیف ایشان و تکلیف من. بین بودن و شدن. بین دیروز من - امروز من با فردای من. تمام اموات خود، محیای خود، فرزندان خود، دانشجویان خود، وابستگان خود، عفو گناهان خود، عاقبت به خیری خود و کشور خود یک به یک، اسم به اسم دعا کردم.

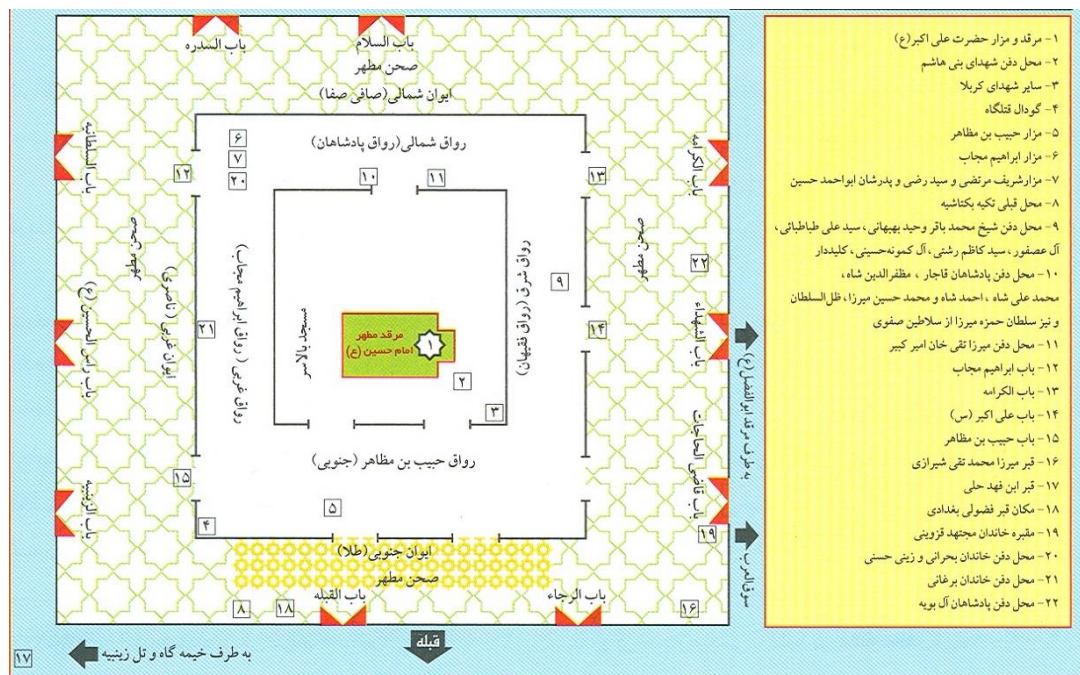
حرم سیدالشهدا:

بزرگترین حرم. با زاویه بازترین حرم. شش ضلع. هر ضلع خاص یک دولت و یک ملت است. هر ملتی با هر آئینی است. اینجا جای دل است. دل شکسته ها را مرهم است. عاشق است آنکس که با پیغمبر است. با حسین فاطمه است. جهانی ترین حرم. هر دو حرم پاسخگو. حرم ابوالفضل-حرم امام حسین. این خودش به تنهایی دو شهر است. شهرهای که من تا حالا شمردم شهر عشق علی و حسین و ابوالفضل است. هنوز به دو شهر دو معشوق ها سامرا و کاظمین نرسیدم. اما این کانون عواطف است. کانون نبرد حق با باطل است. کانون گریه است. کانون اعجاز و اعجاب است.

در همه حرم ها بزرگانی خوابیده اند اما در این حرم بزرگ بزرگان خوابیده اند. هر چه بزرگی است در این حرم جمع است. من اسامی شهدای کربلا را در دو جای این سایت آوردم! (مردم حضرت زینب زیارت نامه ندارد و محرم پایان حج نیمه تمام کاروان امام حسین(ع)).

هر ضلع حرم را یک نفر به نمایندگی از امت اسلامی نمایندگی می کند. شهدای گمنام کربلا، علی اکبر (ع) در پایین پای امام، علی اصغر در آغوش امام، حبیب بن مظاهر در ضلع جنوبی حرم، ابراهیم بن مجاب در شمال غربی حرم، خود گودال قتلگاه که سر امام حسین(ع) را از تن جدا کردند. جرات می خواهد به حریم خدا، به خط قرمز خدا و به خط قرمز رسول الله نزدیک شدن تا برسد به تجاوز کردن به این حریم آسمانی. اما از این انسان دوپا هر کاری ساخته است.

من تا وارد حرم حسینی می شدم در کنار مزار شهدای کربلا می ایستادم. اسامی را که بر روی پارچه بالای مزار یکپارچه نوشته شده بود می خواندم (اوقات خلوت) و تشکر می کردم از ایشان که نگذاشتند امامشان در حادثه کربلا تنها بماند. نگذاشتند حضرت زینب احساس تنهایی بکند. تا دستور بیاید. زینب به این جمع بیش از هر کس دیگر نیاز داشت. ایشان هم یاران ساده و بی دفاع نبودند. بظاهر یک نفر بودند. یک لشکر کامل ایثار و شهادت بودند. گوئی با هم خلق شده بودند تا در خلق عظیم کربلا نقش آفرینی کنند و خود را بعنوان مسلمان مجاهد فی سبیل الله به رخ همگان بکشند.



به ابی انت و امی

(فدای پدر و مادر تو. نقل از زیارت نامه عاشورا)

(۱۳۹۸/۱/۱۹)

که علی واصل آدم

که حسین وارث آدم

به تو افسانه نگفتند

که ملک شانه آدم

همه روز قند و شکر بود

همه روز تازه عسل بود

عتبات عالی عالی

نغمات راضی و راضی

نفرات نامی و نامی

دم افسانه تو بودی

در مستانه تو بودی

تو طرفدار تو بودی

تو ملک دار تو بودی

دم تو گرم طرب بود

دم ما نفس طرف بود

به نقوش نام تو دیدم

به صیوف صیوف تو دیدم

به علی عمر تو دیدم

به علی زلف تو دیدم

بخدا نغمه تمام بود

به من این سوره احد بود

مدی بر تو نماید

مددی از تو بخواهم

بروم خانه بجویم

بروم لاله ببوسم

حرم از کرب و بلا بود

حرم از زهد علی بود

حسین از نور خدا بود

علی از لطف خدا بود

همه سردار فلک بود

همه در راه ادب بود

به والا والی ما بود

به دو ضلع شاخه احمد

به دو ضلع شاخه اصغر

به دو ضلع شانه اکبر

عرب از روضه شنیدند

من هم از قبله شنیدم

همه جا خانه آدم

همه جا مرضی آدم

به من این خاک مهین است

به تو این خاک یمین است

به نگهدار علیم است

به نگهبان فهیم است

که همان لولو و مرجان قدیم است

به موازات زمین است

چو مباحثات زمین است

اگر خوش تر از این است بگویم

حسین با تو حبیب است

حبیب با تو نجیب است

نجابت به تو خون است

خلافت به تو نور است

نبأ با تو رحیم است

نظر بر تو رحیم است

کمی خیمه نشستم

کمی قبله نشستم

به خود این جمله نگفتم

نبی وارث عالم

علی وارث خاتم

حسین وارث آدم

من هم زائر عالم

**علقمه یا خیمه گاه:**

خیمه گاه محل استقرار خیمه ها و چادرها برای سکونت خاندان امام حسین (علیه السلام) و یارانش بود. مکان

استقرار خیمه ها حدود سیصد متر، یا کمی بیشتر، با میدان جنگ فاصله داشت.

امروزه، در جنوب غربی حرم مطهر و ۲۵۰ متری صحن، مکانی را به مساحت دو هزار متر مربع دیوار کشی کرده

اند و در وسط آن ساختمانی شبیه خیمه ای بزرگ ساخته اند که چهارصد متر مربع مساحت دارد.





وسط ساختمان، سمت قبله، جایگاه امام سجاد (علیه السلام) و محل عبادت آن حضرت است. در قسمت ورودی در بزرگی است که با چند پله به سطح خیمه گاه می رسد (هر دو حرم امام حسین و ابوالفضل العباس گودتر از سطح بین الحرمین است). بعد از در ورودی، سمت راست و چپ شانزده فرورفتگی قوسی شکل همانند کجاوه در دو طرف با آجر ساخته اند که نشان از شانزده کجاوه ای است که خانواده های شهیدان کربلا را از آن جا به سوی کوفه بردند. در قسمت پایانی و سمت راست ساختمان، که حدود ۱/۵ متر گودتر است، غرفه ای حدود بیست متر قرار دارد که محل عبادت اهل بیت بود. در زیر خیمه گاه چاهی است که به چاه حضرت عباس (علیه السلام) مشهور است و مردم از آب آن می نوشند و صورت خود را می شویند.

فاصله خیمه گاه تا تل زینیه پانصد متر است.

برخی مکان اصلی قتلگاه را در نزدیکی مستشفی حسین (بیمارستان امام حسین (علیه السلام) می دانند. این نظر بر اساس شواهد صحیح تر است، زیرا تا قبل از قرن چهاردهم کسانی که خیمه گاه را دیده اند آن را در جایی که اکنون بیمارستان امام حسین (علیه السلام) است ذکر کرده اند (عتبات عالیات عراق؛ دکتر اصغر قائدان).

خیمه ها جنگیدند

جنگ ها جنگیدند

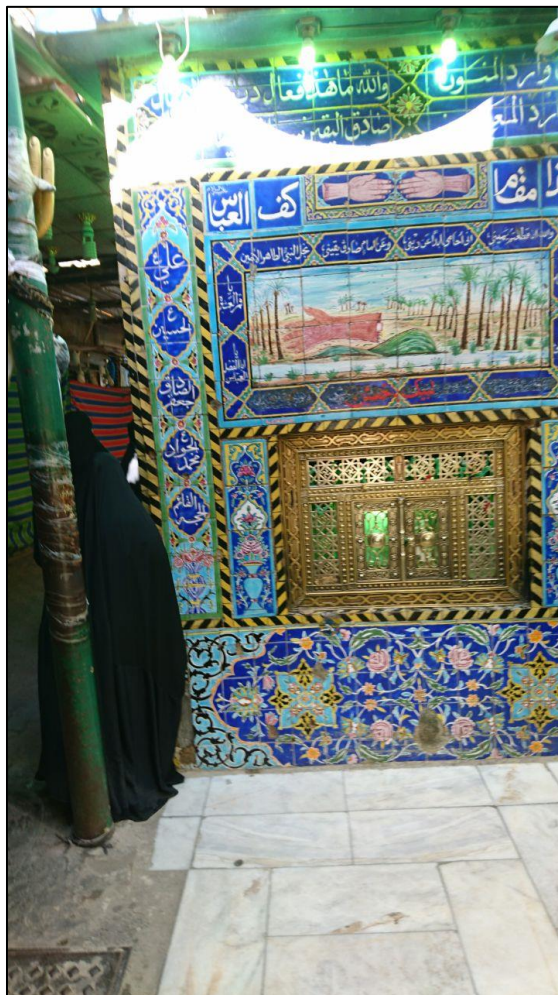
تا حسین فهمیدند

در زمین غلطیدند

از نهر علقمه تا خیمه گاه، حدود پانصد متر فاصله داشت که حسرت کودکان در کربلا بود. اما خیمه گاه در جنوب صحن مطهر امام حسین (ع) و در فاصله ۲۵۰ متری قرار داشت. حضرت عباس (ع) برای آوردن آب از خیمه گاه به سوی نهر علقمه رفت. پس از بازگشت با مشک پر، ۳۵۰ متر از آن مکان فاصله نگرفته بود که سپاه عبید الله دست چپ ایشان را، که مشک در آن قرار داشت، قطع کردند (کف العباس).



كَفُّ الْعَبَّاسِ یا مقام کف العباس نام دو مکان در کربلا که گفته می‌شود دست‌های حضرت عباس علیه السلام برادر امام حسین (ع) روز عاشورا در این مکان‌ها از تن جدا شد و به زمین افتاد. این دو مقام که به مقام دست راست و مقام دست چپ حضرت عباس معروفند، در قسمت شمال شرقی و جنوب شرقی بیرون حرم حضرت عباس (ع) و در ورودی دو کوچه بازار مانند قرار دارند. در این دو مکان نمادهایی درست شده و زائران آنجا را زیارت می‌کنند. مکان نهر علقمه یا شریعه ای که از رود فرات منشا می‌گرفت امروز دیگر وجود خارجی ندارد.



آرایش خیمه‌ها:

در شب عاشورا، بیشتر خیمه‌ها با آرایشی جدید در یک ردیف نیم دایره نصب شده بودند. در این آرایش نظامی - دفاعی جدید، خیمه امام حسین (ع) که خیمه‌های زنان و کودکان نیز در کنارش قرار داشت، به سمت غرب

منطقه کربلا (یعنی سمت راست لشکرگاه امام و سمت چپ لشکر کوفه) جابه جا شد؛ جایی که دور از فرات بود و از خطرهای احتمالی آن ناحیه دور بود.

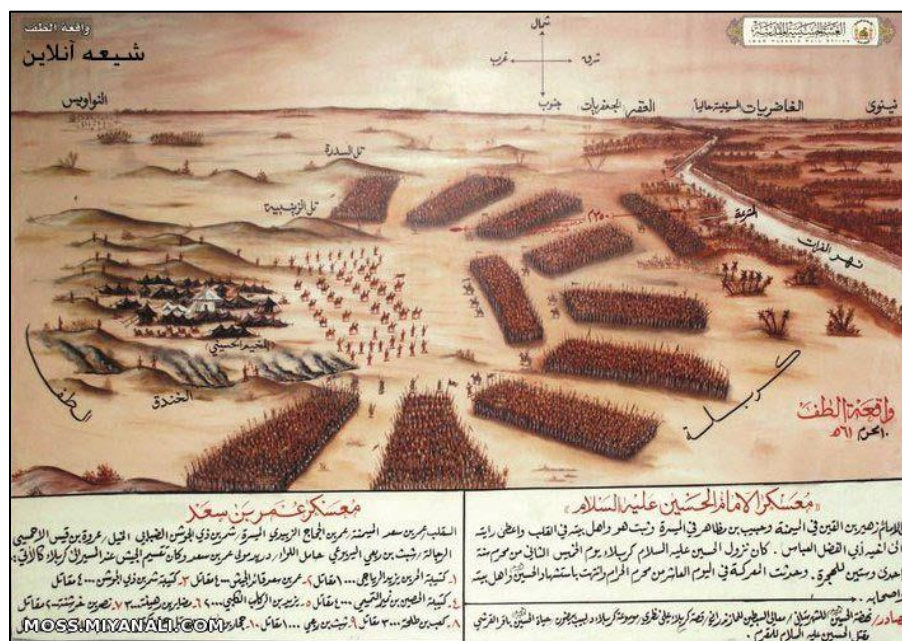
پس از ایجاد این دیوار دفاعی، حضرت دستور داد دیوار دفاعی دیگری در آن سوی خیمه ها ایجاد کنند، بدین گونه که با شتاب در پاره ای از شب، همانند خندق، گودالی را به اندازه جوی بزرگ آبی در اطراف خیمه ها حفر کنند. با توجه به زمین شنی و تپه ماهوری کربلا و وجود برخی جوی های بزرگ بدون آب در میانه لشکرگاه حضرت تا فرات، حفر خندق به سرعت انجام گرفت. آنگاه آن را از همیزم و نی پر کردند تا در صبح گاه عاشورا، خندقی ملتهب از شعله های آتش، نخستین و مهم ترین وسیله دفاعی در برابر حمله بزرگ دشمن از پشت سر و طرفین باشد (نقشه دفاعی امام حسین(ع)).

ای وای بر من

یار شدند

یار غار شدند

اصلح بودند آسیاب شدن



می گفتند در گذشته دور حرم را آب فرات فرا گرفته بود. اتفاقاً باب سدره حرم آن حضرت به شارع سدره باز می شد که انتهای آن مقام امام زمان قرار داشت (حداکثر ده دقیقه راه پیاده روی داشت). کنار مقام امام زمان نهر فرات جاری بود که امروز به تفریحگاه شبانه تبدیل شده بود.



علت اینکه حضرت ابوالفضل العباس از این بخش از رودخانه آب نگرفت زیرا به محل خیمه ها دورتر بود.  
ضمن اینکه همه دور میدان نبرد تحت محاصره دشمن بود.

یک جا علی بود

یک جا حسین بود

یک جا حسین بن علی بود

علی بن حسین بود

به ما زینب کبری

به تو مادر زینب (به ما بیشتر)

به تو شاهد دیگر

به ما شاعر دیگر

شهیدان همه نورند

همین شاخه نور است

زمان از تو گرفتند

زمین بر تو نوشتند

نبی مکتب عالم

علی مطلب عالم

قتیل اکبر و اصغر

غدیر قله عالم

مزار مرد مظاهر (حبیب ابن مظاهر)

مقام مظهر عالم

نبی شرط نبوت

علی شرط امامت

سلام حرمت آدم

حجاب بر سر آدم

علمدار حسین هم

علمدار حسین است

وقتی که کربلا را ترک می کردیم آرام جان را ترک می کردیم. همه گذشته خود را ترک می کردیم. از نور کربلا فاصله می گرفتیم.

ای امیر علمدار

از شهر تو رفتیم

به صد پاره نرفتیم

تو را شهر ندیدیم

از این شهر نرفتیم

بمانند تو باشیم

اگر باش نباشیم

از این شهر نرفتیم

سفر به سامرا (پنجشنبه ۱۳۹۸/۱/۱۵):

در سامرا قبور شریف دو امام همام علی نقی (ع) و حسن عسگری (ع)، امامان دهم و یازدهم است. سامرا شهری در میانه عراق، در استان صلاح‌الدین؛ در کرانه دجله، ۱۲۵ کیلومتری شمال بغداد است. ۷۰٪ مردم اهل سنت و ۳۰٪ شیعه هستند. شاید یکی از دلایل حصر این دو امام بخاطر این ترکیب جمعیتی بوده است و شاید هم اجداد تکریتی های صدامی/بعثی آن روزگار هم به اسم دیگر فعال بودند.

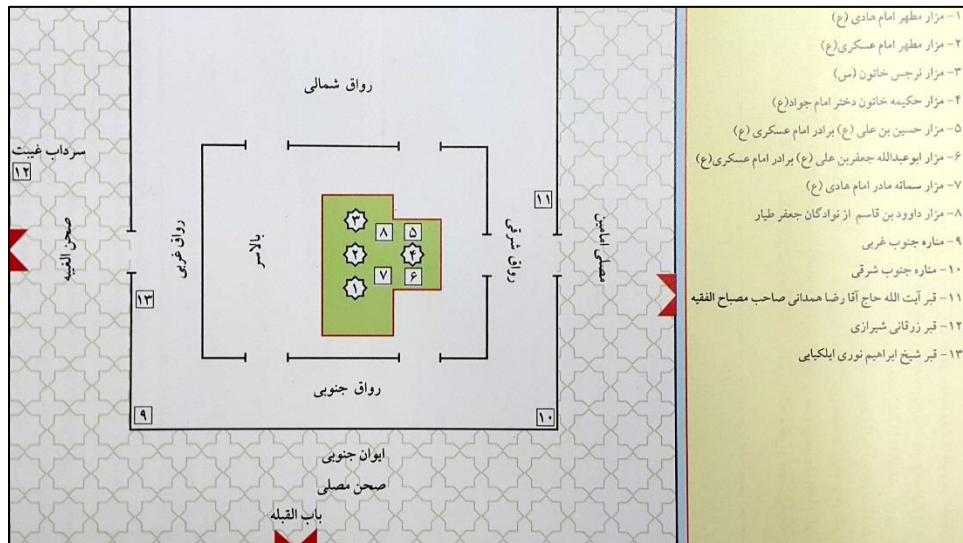


زیارت در این منطقه چندان بی خطر نیست. آخرین حمله تروریستی به کاروان ایرانیان ۱۵ بهمن ۱۳۹۷ بوده است. لذا توصیه به زوار زیارت قبور و ترک به موقع محل است. مدیرکل عتبات سازمان حج و زیارت اعلام کرد: در حادثه تروریستی البته این شهر توسط حشد شعبی بشدت کنترل می شود تا انفجار سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ دیگر بار تکرار نشود. حرم عسگرین شامل مزار نرجس خاتون همسر امام حسن عسکری (ع) و مادر امام زمان (عج)، حکیمه خاتون دختر امام جواد (ع) و تعداد دیگری از سادات علوی و علما است. کنار این حرم، مسجدی بزرگ قرار دارد که آن را **سرداب غیبت امام زمان (عج)** می خوانند. درست است امام زمان غایب است؟ اما غایب از چشم کی؟ اغیار یا احرار!



او غایب است ما قایم. غایب کجاست قایم! از فعل ماست غایب. ظهور کرد ما غایبیم او قائم. لذا تا حالا حالاها یکی از ماست غایب. ترجیح ماست غیبت دوست تا اوست! ۳۱۳ یار او نیست حاضر. تا نیست لیست او کامل. بنیاد غیبت آن امام همام دائم.

عصر ما مولوی را شناخت و با سخن او آرام گرفت. یک چند عصر دیگر، جهان علی جو و علی خومی شود. آن روز، روز شعور و ظهور آقا امام زمان (ع) است (انشاءالله).



عکس زیر قدیمی است. ضریح جدید شبیه به حرم های دیگر ائمه است.



پس از زیارت قبور این دو امام معصوم به حرم سید محمد در ۵۰ کیلومتری رهسپار شدیم.

در مسیر کاظمین قرار داشت. حضرت امام هادی علی نقی (علیه السلام) چهار پسر به نام های محمد، حسن، جعفر و حسین داشت. سید محمد فرزند اول امام است. شیعیان خیال می کردند او امام بعدی است. اما سید محمد در سال (۲۵۲ه.ق) برای زیارت خانه خدا، قصد سفر کرد، هنگامی که به قریه بلد رسید، مریض شد و درگذشت. شیعیان او را در همانجا دفن کردند. از سید محمد تا کاظمین ۹۰ کیلومتر راه بود که یک سفر ۳ ساعته بود.

### کاظمین:

آخرین روز اقامت در کاظمین و در یک هتل خوب بود (۱۳۹۸/۱/۱۶). این شهر در شمال بغداد و در غرب رودخانه دجله در عراق قرار دارد. اهمیت این شهر بخاطر وجود **مرقدین باب الحوائج امام هفتم موسی کاظم (ع) و امام نهم محمد تقی معروف به امام جواد (ع)** است. علاوه بر امامان هفتم و نهم، بعضی از دانشمندان دینی شیعه مانند شیخ مفید و خواجه نصیرالدین طوسی هم در این شهر دفن هستند (ویکی شیعه).

کاظمین در مجاورت شهر بغداد است که امروزه به علت توسعه شهری به بغداد وصل شده است. خیابانهای چهار بانده در سطح شهر کم نبود. می گفتند توسط شوروی ها در زمان صدام ساخته شده است. کاظمین در مجاورت شهر بغداد است که امروزه به علت توسعه شهری به بغداد وصل شده است. این شهر در غرب رود دجله قرار دارد و از این رو بارندگی در بعضی از ایام سال مانند بهار رگباری است. لایروبی رودخانه از طبقه ۹ هتل قابل رویت بود.



## پاورقی ها:

### فواصل شهرها و عتبات مقدسه زیارتی عراق:

- فاصله کربلا تا نجف اشرف: ۸۰ کیلومتر
- فاصله نجف تا کوفه حدود ۱۵ کیلومتر
- فاصله کربلا تا کوفه ۹۰ کیلومتر
- فاصله کربلا تا حله: ۴۵ کیلومتر
- فاصله نجف تا کوفه ۱۰ کیلومتر
- فاصله کربلا تا کاظمین ۸۵ کیلومتر
- فاصله نجف تا بغداد ۱۵۰ کیلومتر
- فاصله کربلا تا آرامگاه حر: ۷ کیلومتر
- فاصله بغداد تا سامرا ۱۲۴ کیلومتر
- فاصله سیدمحمد"منطقه بلد" تا سامرا ۵۰ کیلومتر
- از بغداد تا کوفه نیز حدود ۱۵۰ کیلومتر
- از بغداد تا کربلا ۱۱۰ کیلومتر
- فاصله بغداد تا کاظمین ۸ کیلومتر
- فاصله بغداد تا سامرا ۱۱۱ کیلومتر
- فاصله بغداد تا نجف ۱۶۵ کیلومتر
- فاصله بغداد تا کربلا ۱۰۲ کیلومتر
- فاصله نجف تا کربلا ۸۰ کیلومتر
- فاصله نجف تا کوفه ۱۰ کیلومتر
- فاصله حرم امام حسین با حرم حضرت ابوالفضل ۳۰۰ متر
- فاصله کربلا تا شهر مُسَیَّب، مدفن و زیارتگاه طفلان مسلم ۴۰۰ کیلومتر
- فاصله نجف تا مقبره سیدمحمد ۲۴۹ کیلومتر
- فاصله نجف تا طفلان مسلم ۱۱۶ کیلومتر
- کربلا تا سیدمحمد ۱۸۴ کیلومتر - تا طفلان مسلم ۳۸ کیلومتر.

### آرامگاه امیرکبیر ایران



مرقد امیر کبیر درست در حجره جنوب شرقی صحن، یا حیاط مسقف شده فعلی حرم سید الشهداء قرار دارد. در حال حاضر پس از مرمت های جدید، سنگ مزاری برای ایشان، روی دیوار حجره نصب شده، تا نشانی از آن بزرگ مرد باشد (خبر آنلاین، ۱۳۹۰).

در داخل حرم همچنین قبور عده ای از علما در نزدیکی قبور شهدا و تعدادی از پادشاهان شیعه از جمله برخی پادشاهان قاجار و امیرکبیر، در رواق شمالی قرار دارند. متأسفانه مسئولین کاروان ما را به همه جا بردند و نشان دادند جز اینجا و کوچه منتهی به خانه آیت الله سیستانی را! دومی را بدلیل محافظین بسیار در ابتدای کوچه باریک متوجه شدم. از یک روحانی که از آنجا می گذشت پرسیدم. گفت بلی اینجاست. اما ملاقات با ایشان غیرممکن است. اولی را متوجه آقا بودم و دیگران را از یادم برد.

شمشیر ذوالفقار مولا علی (ع):

این شمشیر بالای دیوار حرم به سمت غرب و صحن جدید حضرت فاطمه (س) نصب بود.

شعر علی ای همای رحمت مرحوم شهریار:

هرچه جستجو کردم آن را نیافتم. اما خواندم که سابق بر این با دست خط استاد فضایی خطاط مشهور در مرقد امام علی (ع) نصب شده بود.

التماس دعاهای دوستان و آشنایان:

بیشتر ازدواج فرزندان و کمتر اشتغال فرزندان بود. بیچاره امامان معصوم ما که باید به چه مشکلاتی پاسخگو باشند. آب اینجا ما تشنه لبان می گردیم. با ثروت ایران می شود دو تا کشور دیگر را هم اداره کرد. **به شرطی که دکه القضاء علی با حضور علی فعال باشد.**

ولع اکثر زائران برای خوردن پیاز قرمز ایرانی در سفره های ناهار و شام!

سر سفره تا پیاز می آوردند کلی به آن هجوم می بردند! با خود می گفتند بخورید که در ایران این پیاز کمیاب است. یکی از زوار می گفت ما برای خام خوری از پیاز قرمز و برای تهیه غذا از پیاز سفید استفاده می کنیم اما مدتی است پیاز قرمز دیگر گیرمان نمی آید.

روابط انسانی افراد با هم:

خاطره خوب من در این سفر در هنگام صرف شام در ناهاری خوری هتل نجف بود.

میزها را اینقدر تنگ هم گذاشته بودند که برای کسی که غذای خود را صرف کرده بود امکان بلند شدن از سر میز نبود. مگر همه افراد آن ردیف بلند می شدند! من خودم همیشه مقید به رعایت این اصول نانوشته هستم. مرا سر میزی بردند که افراد دیگر ردیف صندلی های سمت من نصف شام خود را خورده بودند. متأسفانه تا ردیف ها پر نمی شد شما را نمی گذاشتند روی میز دیگر که مخلفات غذا چیده بودند بنشینم. خوشبختانه تعدادی از ایشان با بلند شدن زائران میز پشتی، نصف میز ما را ترک کردند. الا یک نفر که در حال صرف شام و تغذات بود! باور نمی کنید من همه اش حواسم به او بود که نکند شامش تمام بشود و بخاطر من در جای خود محبوس باشد. چنین هم شد. تا دیدم بیکار شد بلند شدم و او را به بیرون از میز هدایت کردم. طرف دیگر میز، افرادی از کاروان دیگر بودند. تا من بلند شدم و برای زائر راه باز کردم دیدم یک روحانی که سرگرم صحبت با دوستش است رو به من کرد و گفت کارت بیست بود. کنجکاو شدم بدانم نام او چیست؟ حین صحبتهای او با زائر کناری فهمیدم اسم ایشان شیخ جعفر است.

### واقف بزرگ فرش های حرم:

تقریباً بیشتر فرشهای دست بافت حرم حضرت علی (ع) و حتی حرم حضرت ابوالفضل العباس را شخصی بنام **علی اکبر انصاری** وقف کرده بود. در اینترنت او را **شیخ علی اکبر انصاری** واقف مزیف الامام الحسین (ع) معرفی کرده اند که به ایران هم سفر کرده است. بعد هم معلوم شد در حلقه بدهکاران بانک های مختلف از جمله بانک خودش است.

### خودروهای در حال تردد در شهرهای مورد بازدید:

طبق نظر زائرین حرفه ای تا چند سال پیش بیشتر خودروهای سطح شهرهای عراق از نوع پراید و پژو بودند. اما امروز یکی از هزار خودروی تولید ایران است. همه ماشین های مدل بالای خارجی.

### هدیه های مردمی:

از مسجد کوفه که خارج شدم دیدم یک خانواده ائی بیرون مسجد مشغول غذا خوردن هستند. تا مرا دیدند یک بطری آب به من هدیه دادند. از این هدیه خیلی خوشحال شدم.

یکبار هم بیرون محوطه حرم حضرت ابوالفضل العباس (باب قبله) یک هیئت هندی یا پاکستانی مشغول وعظ و عزاداری بودند و یک نفر از ایشان بین زوار بامیه پخش می کرد که یکی هم نصیب من شد.

### گلایه بر بی ارزش بودن پول ملی:

خانم ایرانی را در بازار کاظمین دیدم که حین راه رفتن بلند بلند گلایه می کرد قادر به خرید هیچ کالائی نیست. راست می گفت با ۱۲ هزار تومان ایرانی (۱ دینار عراقی) جز مهر و تسییح و خرما نمی شد چیز دیگری خرید. قیمت یک تی شرت معمولی ۲۰ دینار بود.

### همراه داشتن کلی میوه و غذا از سهم غذای خود به ایران:

هر کس تا توانسته بود بار چمدانهای خود را با میوه ها و بسته های نخورده سر سفره صبحانه و ناهار و شام خود پر کرده بود. سیب و پرتقال و پنیر و کره و..

نمونه گیاهی بیمار در جلوی هتل شهر کاظمین:

یک درخت کنار بود که شاخه های آن دچار پژمردگی بود. برای بررسی های بیشتر چند نمونه از آن را به ایران آوردم و کشت دادم.

خواب تعبیر شده من در کاظمین:

چندان ارزش گفتن نداشت!

به صف نایستادن زائران در صف سوار شدن به هواپیما:

این مریضی مربوط به اکثر مردم ایران است. متنها نه در فرودگاه بغداد که مامور فرودگاه از مسافری ایرانی می خواست پشت سر هم به ردیف بایستند. اروپا دیده بودم اما اینجا نوبر بود. بیشتر تصادفات در جاده ها ناشی از این عدم رعایت حقوق دیگران است. آموزش این از نان شب هم برای ایرانیها واجب تر است.

ریختن اشغال به کف هواپیما:

این پدیده زشت را من در هواپیما برای اولین بار می دیدم. پس از نشستن هواپیمای قشم ایر در فرودگاه امام خمینی و خروج عجلولانه تعدادی از افراد، نوبت که به بلند شدن من رسید تا دم درب خروجی جلوی هواپیما، کف هواپیما مملو از دستمال کاغذی و ظروف یکبار مصرف بود! از میهماندار درب خروجی هواپیما بابت این کثافتکاری معذرت خواستم. با تانی گفت ایرادی ندارد می آیند جارو می کنند! اما برای من این نشان فراموش شدن هویت فرهنگ ایرانی و اسلامی بود. به ۲-۳ از افراد کنار خود می گفتم لازمست از این پس در کنار صندلی هواپیماها هم مثل اتوبوس ها کیسه زباله قرار بدهند.

خریده های من:

مثل سفر حج، من روز آخر مقداری سوغاتی خریدم. دو بسته خرما، سه بسته انجیر، ۱۰ عدد تسییح، ۳۰ عدد مهر مجانی از مغازه طباطبائی و سه عدد بشقاب دکوری معمولی. در مجموع ۱۰۰ هزار تومان پول ایرانی و حدود ۲۰ دینار عراقی هزینه سوغاتی های من شد!

کل هزینه های این سفر شد ۴،۳۹۶،۲۳۰ تومان.

تبرک کردن قلم خود با تماس با حرم شش گوشه سیدالشهدا:

روز آخر قلم خودکار خود را به ضریح حرم امام عاشقان عالم تماس دادم و چون در مکه که به پرده خانه خدا متبرک کرده بودم از آن حضرت خواستم به این قلم توانائی گفتن و نوشتن حقایق بیشتر را بدهد. قلم برای من هم وسیله گفتن و هم نوشتن است! تعجب می کردم تعدادی از زوار، کل پشت بدن خود را به ضریح ها می مالیدند! گویا درد کمر داشتند!

و اینهم جانماز من مزین به مهر کربلا و تربت پاک سیدالشهدا:



من دعای روز سخت را کرده ام  
 من دوی روز وصل را کرده ام  
 تا بهار است من بهاری کرده ام

بخش سوم:

### هزاران سلام بر شما

یادداشت ها و دریافت های من پس از بازگشت از زیارت عتبات عالیات. هر بار با یک سؤال و یک پاسخ درحد فهم خود. اینست سحر کردن با هر سفر. بویژه که سفر آسمانی باشد و هر خاکی که پا نهادی خاکی از خاک های منور بهشتی باشد. پس دوست دارم لذت درک این سفرنامه را برای خود تا ابد زنده نگه بدارم. رفتن به سفر آسان و ماندن در سفر دشوار.

ابتدا به معنی و مفهوم خلاق می پردازم که سؤال حین زیارت من در کربلا هنگام تلاوت قرآن کریم بود. در یادداشت های دست نویس خود نوشتم که به ایران که بازگشتم تحقیق کنم و آن را برای خود بدرستی تصویر بکنم. زیرا می دیدم کلمه، کلمه بزرگی است. به روز خدائی کردن کار فقط خداست. کار کسی است که خواب ندارد. اشراف کامل دارد. احسان کافی دارد. خلق جدید می کند. با بندگان خود هم ملاقات های روزانه دارد. لذا اولین مطلب شد تبیین کلمه خلاق به خود. اتفاقا انتشار آن مصادف شد با سالروز تولد منجی عالم امام زمان (عج).

اتفاقا در همین رابطه در روز اول ماه مبارک رمضان به آیه "مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا لَمْ نَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" ما هیچ آیه ای را نسخ نمی کنیم و از یادها نمی بریم مگر آنکه بهتر از آن و یا مثل آن را می آوریم مگر هنوز ندانسته ای

مفهوم خلاق در آیه ۸۱ سوره یس

قائم او سلامت است

(۱۳۹۸/۲/۱ برابر با ۱۵ شعبان ۱۴۴۰ه.ق)

شهر به شهر نرفته ام

تا به شبی سفر کنم

دامن این سفر گرفت

تا که سفر سفر کنم

أَوْ كَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ- آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده توانا نیست که [باز] مانند آنها را بیافریند؟ او آفریننده و داناست.

موضوع مورد نظر من معنی واژه "خلاق" بود. معنی خلاق در زبان فارسی مشخص است. اما مهم تعریف واژه "خلاق" در بیان قرآنی است. می دانستم تعاریف این دو زبان زیاد هم از هم دور نیستند:

خلاق = عظیم آفریننده، آفرینشگر، آفریننده، خلاقه، سازنده، مبتکر، مبدع، آفریدگار، باریتعالی

خلاق = creative, fecund, inventive, original, regenerative

اما باید ابتدا به سراغ تفسیرها می رفتیم:

در دانشنامه اسلامی آمده بود:

لُخْلَاقٌ: صيغة مبالغة خالق است. به معنی آفریدگار

و در ترجمه انگلیسی آن آورده بود:

**He is the Knowing Creator**

علامه طباطبائی (المیزان): او آفریدگار داناست. وقتی خدا می فرماید خلق زمین و آسمان بزرگتر از خلقت انسانهاست (لَخَلَقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) پس می تواند مثل همین مردم را دوباره خلق بکند؟ چون او خلاق است و علیم.

آقای قرآنی: او آفریدگار بسیار داناست

آقای فولادوند: آری، اوست آفریننده دانا

آقای انصاریان: اوست که آفریننده بسیار داناست

معلوم است معنی "خلاق" وراتر و فراتر از ترجمه های موجود در قرآن است. **نواوری مطلق**. طوریکه تشخیص خلق اول و دوم با تمام تمییزها و تفکیک ها برای همگان غیرممکن باشد. ابهام آفرین و بهت آور باشد. مثل تفاوت های بین خلقت انسان با میمون. یک خلق بکر و بی بدیل:

إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ - ای بشر آیا ندانستی که خدا آسمانها و زمین را به حق و برای مقصود بزرگی آفریده و اگر بخواهد شما (جنس بشر) همه را در زمین نابود می سازد و خلقی دیگر از نو می آفریند؟ ابراهیم/۱۹. فاطر/۱۶.

إِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ - و اگر روی برتابید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود. محمد/۳۸

عَلَىٰ أَنْ تُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَ تُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ - در اینکه شما را فانی کرده و خلقی دیگر مثل شما بیافرینیم و شما را به صورتی (در جهانی دیگر) که اکنون از آن بی خبرید برانگیزیم. واقعه/۶۱.

اگر خدا یکی است

روز خدا هزار یکی است

روز نبود خدا یکی است

پهنه آسمان یکی است

هستی ما ز ما یکی است

راز زمین به ما یکی است

نسترن است خدا یکی است

انجمن است خدا یکی است

خالق یک زمان یکی است

مالک یوم ما یکی است

خالق و خلاق یکی است

خلق ترین خلق خدا خدا یکی است

فرق خدا خدا یکی است

گر دو خداست

نقص خدا دو تا یکی است

یا سه خدا سه تا یکی است

برتو نگفت احد یکی است

هرچه شنید لحد یکی است

راوی ما گذر نکرد

خالق ما منزله است

خلق کند هزار یکی

باز کند هزار یکی

خلق جدید، خط جدید، حرف جدید، عصر جدید، نسل جدید خدا یکی است

خالق خلاق یکی است

معنی خلاق یکی است

معنی قرآن یکی است

کن فیکون به ساعت و به ساحت است

ساعت او بشارت است

ساحت او کرامت است

فاطر او فراتر است

جلوه او قیامت است

قائم او سلامت است

اینهمه گفت خدا یکی است

یا که دمی خدا یکی است

جلوه او هدایت است

مظهر او کتابت است

مسند او صدارت است

مطلع او قیامت است

در نسخه اول انتشار این سفرنامه جانمازی از خود نشان دادم که مزین بود به کلام الله مجید و تربت خاک حسین (ع). امروز که روز سوم ماه مبارک رمضان است بعد از نماز صبح به این سروده دل خود رسیدم:

### خاک حسین

(۱۳۹۸/۲/۱۹)

این خاک حسین است

عزیزان حسین است

کریمیان حسین است

نصیبان حسین است

علی اصغر و اکبر

عزیزان حسین است

حسین آل علی آل نبی آل رحیم است

حسین اصلح دین اکبر دین اختر دین است

حسین نسخه ندارد

هر آنکس که حسین است

طرفدار حسین است

چنین یاد حسین است

حسین جان حسین است

حسین آل حسین است

تو را جان حسین است

حسین راه حسین است



نسب سابه دین است

خدا ضامن دین است

ملک حامل دین است

نظر نافع دین است

زمان فاتح دین است

سرشت ساده دین است

بهشت کامل دین است

مزار موعده دین است

لقاء لازم دین است

حسین وارث آدم

شهید شاهد عالم

شهیر شاعر آدم

شنیع کافر آدم

زنان مرهم دین اند

زنان مظهر دین اند

به تو راکب دین اند

به من زینب دین اند

ابوالفضل علمدار:

علم ماده دین است

علم سر در دین است

دیانت در دین است

امانت همه دین است

سرایم به تو دین را

برای اطلاعات بیشتر از کم و کیف انتقال جسد مطهر آن حضرت از کوفه به نجف به مقاله جدید "[مراسم تدفین آسمانی علی](#)" که در همین سایت به تاریخ ۱۳۹۸/۳/۶ برابر با ۲۲ ماه مبارک رمضان انتشار یافت مراجعه شود.

### به مناسبت اولین سالگرد زیارت عتبات عالیات

(۱۳۹۹/۱/۱۴)

۶ ماه از سفر روحانی من نمی گذشت که اوضاع اجتماعی و سیاسی عراق دچار تلاطم شد. از مهر ماه ۱۳۹۸ تظاهرات در شهرهای جنوبی عراق شروع شد. دامنه ناآرامیها به بغداد کشیده شد. به تدریج چندین شهر شیعه‌نشین از جمله نجف، کربلا و بصره شاهد تظاهرات و اعتراض بودند. بعد هم به توصیه آیت الله سیستانی، نخست وزیر کشور [عادل عبدالمهدی](#) مجبور به استعفا شد (۱۳۹۸/۹/۸). در پی آن ترور [قاسم سلیمانی](#) و [ابومهدی المهندس](#) از فرماندهان ارشد ایران و عراق توسط آمریکا در فرودگاه بغداد پیش آمد (۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

ایران به تلافی ترور وحشیانه آمریکا به دو پایگاه [عین الاسد](#) و [اربیل](#) عراق که نیروهای آمریکائی در آن مستقر هستند حمله موشکی کرد (۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

تاکنون سه نخست وزیر دوره انتقالی ([محمد علاوی](#)، [دانان الزرفی](#) و [مصطفی الکاظمی](#)) معرفی شده اند! [مصطفی الکاظمی](#) به نخست وزیری برگزیده شد و دو سال بعد [محمد شیاع سودانی](#) (۱۴۰۱). در این بین، [بروز بیماری فراگیر کرونا](#) هم مزید بر علت شد.

سفرهای زمینی و بعد هوائی زائران به عتبات عالیات لغو شد (۱۳۹۸/۱۲/۵). بعد هم اقدامات احتیاطی عراق برای لغو نماز جمعه شهر نجف و بستن حرم مطهر امام حسین (ع) در کربلا (۱۳۹۸/۱۲/۱۷).

با توجه به حوادث فوق، سفر سال ۱۳۹۸ من به عتبات عالیات یک غنیمت و یک هدیه از جانب امام حسین (ع) بود.

عید حسین زید حسین

یار حسین جان حسین

هرچه در عالم حسین

یاور ما هم حسین

مفتخر است یاحسین

نسخه درمان حسین

جان علی با حسین

سالک و ساقی حسین

رفعت آدم حسین

صادق آدم حسین

زینب و عباس حسین

شاد حسین یاد حسین

زینت آدم حسین

وارث آدم حسین

حریف که راه بسته شد

راه نجف بسته شد

کرب و بیلا بسته شد

سال اگر با تو بود

سال دگر هم حسین

خواب می دیدم (قبل از اذان صبح روز جمعه ۱۳۹۹/۱/۲۲) که به صورت مخفیانه در کربلا هستم و از کوچه های تنگ و باریک کربلای قدیم به سمت حرم حرکت می کنم. خیلی نگران پلیس و نیروهای امنیتی بودم. مقداری که جلو رفتم به دیوارهای حرم رسیدم. دیوارهای بلند آجری داشت. یک مقدار از راسته ائی که می آمدم گشادتر بود. اندکی جلوتر رفتم و بقیه خواب که بیادم نماند.

صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱/۲۴ این خواب را به آقای مهندس سیاح زاده همسفر پارسال خودم به عتبات عالیات پیامک کردم. جالب است او شاهد صحبت های من راجع به مزار میثم تمار هم بود. دیدن این خواب در سالروز آن سفر روحانی برای من ارزشمند است. گوئی یک مشرف دیگر و یک ملاقات دیگر بود.

هر که گفت دولت من سود من

سود مرا هم بدهید روح من

مشتعل است این دل بیدار من

ملفت است بر همه جا روح من

دولت محمود نه معلوم من

مختلف است مکتب این سود من

یک سخنی تازه نگفت مشتری

هرچه سپردند نسپرد روح من

میوه در او نیست مگر گوش من

سفره بر او نیست مگر هوش من

خرم از این روز نگوید به من

آتش خود را ندارد به من

منتظرم تا که خطابی رسد

نیم نظری عالی و اعلی رسد

جام جهانی به تو دادند بگیر  
ملک سلیمان به تو دادند بگیر  
صورت رحمان و رحیم را بگیر

غایت اوست به امانت بگیر  
دیدن این فصل کتاب روشن است  
داد و ستد کرده خدا روشن است  
بار گناه از تو گرفت بر ندار  
دار و ندار سینه تو بر ندار  
میشم تمار به تو خرما دهد  
خرم از این تحفه که بر من دهد  
خواب تو دیدم بروم کربلا  
حال خرابی است ببینم بلا

به مناسبت دومین سالگرد زیارت عتبات عالیات

(۱۴۰۰/۱/۱۴)

عزل و نصب زندگی است  
حل و فصل زندگی است  
زیر سنگ هم زندگی است  
این پیام آشنا است  
این برای آشنا است  
نسل ها دیدند همی  
بعد از این بیند همی  
یک سفر پیشران توست  
یک سفر پیران توست

بهترین افکار توست

بیشترین بی نام توست

یا حسین با نام توست

بی حسین بی نام توست

توشه دیگر نبود

از شما ایمان توست

منبع الهام توست

انور انبار توست

گر بخواهند می روم

تا کجا دامان تو

به مناسبت سومین سالگرد زیارت عتبات عالیات

(۱۴۰۱/۵/۲۸)

پارسال یک نفر و امسال ۸ نفر دانشجوی عراقی به جمع ما پیوستند. مرتب به مناسبت اعیاد مذهبی در واتسپ پیام می گذارند. دیروز و امروز که تاسوعا و عاشورای حسینی بود کلی پیامک به زبان عربی گذاشتند و آن را مزین کردند به تصاویر و ویدئوهای زنده مراسم عزاداریهای ماه محرم در حرم مطهر امام حسین (ع). در این دوران کرونا که مسافرت ها محدود شده است حضور آن همه زائر در صحن حرم آن حضرت جای شگفتی بود.

همه جا خون حسین است

همه جا روح حسین است

حسین رود حسین است

اصغرین اشک حسین است

اکبرین رشک حسین است

به تو گفتند که حسین راه حسین است؟

زینب از خون حسین است؟

عباس، علمدار حسین است؟

اصحاب، کمالات حسین است؟  
اولاد، طرفدار حسین است؟  
بروم خانه بینم که مرا خانه حسین است؟  
به تو از گلشن راز یاد حسین است؟

دیوار دین

(۱۴۰۱/۸/۲۴)

هر روزگار بی او نوشتند  
این روزگار با او نوشتند  
با خون و دل خوشبخت نوشتند  
با بیشمار ادیان نوشتند  
دیوار دین با بین نوشتند  
با آسمان باران نوشتند  
با ریسمان ایمان نوشتند  
باید نشست تا او نشست داد  
در حق او قرآن نوشتند